

ماه‌الله رزمی:

آذربایجان و جنبش طرفداران آیت‌الله شریعتمداری در سال ۱۳۵۸

KOD: MA02

نشر تریبون، استکهلم، ۲۰۰۰

۸- قانون اساسی جدید و رادیکالیزه شدن جنبش

روز چهارشنبه پانزده اردیبهشت حزب خلق مسلمان در باره تشکیل شوراها بیانیه می‌دهد، منظور حزب خلق مسلمان از شوراها در اینجا تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی می‌باشد. این قانون مترقی که حاصل مبارزات آزادیخواهان آذربایجانی دوران مشروطیت بود هرگز در دوران پنجاه و سه ساله پهلوی‌ها اجرا نشد و همواره از طرف ولایات اجراء آن خواسته می‌شد. بعد از بیانیه خلق مسلمان، مقدم مراغه‌ای استاندار آذربایجان شرقی از پست خود استعفا داد. او دلیل استعفایش را چنین توضیح می‌داد که «به علت وجود قدرت دوگانه در منطقه کار کردن واقعاً مشکل است». مراغه‌ای یک مقاله تحلیلی نیز در روزنامه خلق مسلمان نوشت و پیش‌بینی کرد که رژیم جدید همه جریانات سیاسی غیر از حزب توده را از بین خواهد برد. جنبش موجود در آذربایجان برای خمینی و اطرافیانش قابل تحمل نبود و از هر طریق سعی می‌کردند آنرا نابود سازند. نوزدهم خرداد در بازار تبریز آتش سوزی شد و هفتاد مغازه و حجره با خاک یکسان گردید. این آتش سوزی عمدی تشخیص داده شد ولی هرگز مسبب آن شناخته نشدند اما تجار خسارت دیده اکثراً از طرفداران شریعتمداری بودند.

در این روزهای حساس پیش‌نویس قانون اساسی جدید در دستور روز است و مسئله تشکیل مجلس مؤسسان یا خبرگان مورد اختلاف می‌باشد. شریعتمداری قبلاً، صراحتاً اعلام

کرده بود که خواستار تشکیل مجلس مؤسسان است. روزنامه جمهوری اسلامی نوشته بود که منظور شریعتمداری همان شورای تنظیم قانون اساسی است. در مقابل نوشته جمهوری اسلامی که موضع خمینی و اطرافیانش بود، دفتر شریعتمداری رسماً اعلام می‌کند که موضع شریعتمداری در مورد تشکیل مجلس مؤسسان تغییر نکرده است.

تحمیل مجلس خبرگان و زمینه‌سازی برای تصویب قانون اساسی که حقوق ملت را به ولی فقیه می‌داد با عکس‌العمل شریعتمداری مواجه می‌شود. او اعلام می‌دارد که اصول ۱۰۵ و ۱۱۰ قانون اساسی باید تغییر بکند و حول مسئله قانون اساسی، حزب خلق مسلمان تظاهرات و راهپیمائی‌های عظیمی ترتیب می‌دهد. به رسمیت شناخته شدن ملیت‌ها در داخل ایران و محدود شدن اختیارات فقیه دو محور اصلی تبلیغات طرفداران شریعتمداری می‌شود. اعلامیه آیت‌الله شریعتمداری بعد از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی در انتقاد از اصولی که اختیارات ملت را به ولی فقیه تفویض می‌کند:

**«نظر مرجع عالیقدر جهان تشیع
حضرت آیت‌الله العظمی شریعتمداری
دربارهٔ فرماندم قانون اساسی**

بسم الله الرحمن الرحيم

به دنبال مراجعات مکرر طبقات و گروه‌های مختلف مردم در بارهٔ نظر اینجانب نسبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدینوسیله اعلام می‌دارد در طول دوران مجلس خبرگان ما بارها طی مصاحبه‌هایی نظریات خود را در خصوص لزوم تصحیح و تکمیل پاره‌ای از مواد تذکر داده‌ایم و اینک مجدداً اعلام می‌کنیم که حفظ ارکان حاکمیت ملی در چهارچوب تعالیم عالیة اسلام ضرور و واجب است زیرا که اصالت و ماهیت همین حاکمیت ملی، حکومت جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد و تمام کوششها و مبارزات طولانی ملت ما که بر طبق مقدمهٔ قانون اساسی شصت هزار شهید و یک صد هزار معلول بر جای گذارده، برای نفی طاغوت و از بین بردن استبداد و دیکتاتوری می‌باشد یعنی ملت ما اختیار خویشتن را خود در دست گیرد و قدرتهای شرق و غرب و نفوذ گروه‌ها و افراد نتوانند اختیار را از ملت سلب

کنند. حاکمیت ملی قدرتی است که بقای اسلام و ایران بدان بستگی دارد و با ضعف آن اسلام و کشور به خطر خواهد افتاد، لذا اگر حاکمیت ملی و نقش فعال آن از بین برود و یا خدای ناکرده تضعیف شود فرصت مناسب و زمینه آماده‌ای برای بازگشت دیکتاتوری و نظام طاغوتی خواهد بود و بیم آن است که مملکت به وضع سابق رجعت کند و خون هزاران شهید و زحمات و مجاهدتهای ملت به هدر رود. با نگاهی به اصل ششم قانون اساسی که می‌گوید امور کشور باید با اتکاء به آراء عمومی اداره شود. اصل ۵۶ که می‌گوید خداوند انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است، هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد، متوجه می‌شویم که اساساً اولین رفراندم و همه‌پرسی که سلطنت دو هزار و پانصد ساله را در ایران فرو ریخت و حکومت جمهوری اسلامی را برقرار کرد چیزی جز اقرار به اصالت رأی ملت و احترام به نظر خود مردم در تعیین سرنوشت خویشان نبوده است.

بنابر این دو اصل ۶ و ۵۶ که مطابق مقررات شرعی نیز می‌باشد، حاکمیت ملی را تثبیت و تقریر کرده اما اصل ۱۱۰ قانون اساسی اختیارات مردم را از ملت سلب کرده و در نتیجه اصل ۱۱۰ با دو اصل ۶ و ۵۶ کاملاً مخالف و متضاد است بطوریکه با توجه به هیچ تأویل و توجیهی نمی‌توان این اختلاف و ضدیت را رفع نمود و غیر از این تضاد، مواد دیگری نیز در قانون اساسی وجود دارد که دارای اشکال می‌باشند. همچنین کمبود و نارسائیهای نیز در آن به چشم می‌خورد که در درجه دوم اهمیت قرار گرفته که باید اصلاح و رفع اشکال شود اما آنچه که بسیار مهم است تغییر و یا اصلاح ماده ۱۱۰ و اصولی است که متفرع بر آن است بطوریکه با حاکمیت ملی سازگار بوده و هیچگونه تضادی نداشته باشد. لذا با صراحت اعلام می‌داریم که با مراعات این نقائص و اصلاح آنها در نزدیکترین وقت ممکن بقیه مواد قانون اساسی بلامانع است.

والسلام علی عبادالله الصالحین

دهم محرم ۱۴۰۰

سید کاظم شریعتمداری

برجسته‌ترین شعار مخالفت با قانون اساسی جدید که به معنی مخالفت با خمینی هم بود در آذربایجان بشرح زیر می‌باشد:

قانون اساسی ده اولان اصل یوز اون ضیدی بشردی ایصلاح اگر اولمازسا، او باطیل دی هدردی

(اصل یکصدو ده که در قانون اساسی است، ضد بشر می باشد
اگر اصلاح نشود باطل و بیهوده می باشد)

چنانکه می دانیم اصل یکصدو ده قانون اساسی جمهوری اسلامی اختیارات ولی فقیه را معین می کند و در آن روزها گفته می شد که هیچ دیکتاتوری تا به امروز در ایران اینهمه اختیارات نداشته است که قانون اساسی جدید به خمینی می دهد. بیست و نهم خرداد ماه آیات عظام، نجفی، گلپایگانی و شریعتمداری با خمینی ملاقات می کنند و راجع به مسائل جاری مملکت گفتگو می کنند و شریعتمداری می گوید که من با رفراندم قانون اساسی موافقم. روز دوازدهم تیرماه نیز آیات عظام با خمینی دیدار می کنند ولی صحبتها کاملاً محرمانه می ماند و چیزی به خارج از حوزه مرجعیت برزده نمی شود ولی همه جا در میان مردم شایع است که بین مراجع بر سر تقسیم قدرت اختلاف افتاده است. بالاخره بعد از مدتهای مدید بحث و جدل بین مراجع و در حالیکه اکثریت قریب باتفاق احزاب و سازمانهای سیاسی فعال در انقلاب با قانون اساسی خمینی مخالفت می کنند و اهل تسنن به خاطر اصل ۱۴ قانون اساسی و دیگران به خاطر عدم به رسمیت نشناختن حقوق ملیتها و اصول ۱۰۵ و ۱۱۰ و بخاطر اینکه کلیات این قانون ملت انقلابی ایران را صغیر فرض کرده و خمینی را قیم ملت شناخته، به آن رأی نمی دهند. اما چون خمینی با آن موافق است و نیروی عظیم و ویرانگر جهل قرون و اعصار نیز در اختیار اوست، قانون اساسی جمهوری اسلامی به تصویب می رسد. بعد از این خمینی و اطرافیان برای اعمال ضد ایرانی و ضد انسانی شان مجوز قانونی نیز داشتند و حزب الله تفنگ به دست فریادمی زد: «کسی که رأی نداده حق نظر ندارد» و بدینسان حق نظر را از صاحب نظران سلب می کردند و همه چیز را و از جمله بسیاری از مواد قانون اساسی خودشان را نیز زیر پا می گذاشتند. در اینجا بد نیست به پیام حسن نزیه به مردم آذربایجان به خاطر مخالفتشان با قانون خمینی

اشاره بکنم. حسن نزیه وزیرنفت دولت موقت بود که در خانه شریعتمداری متحصن شده بود.

پیام حسن نزیه به مردم آذربایجان

«هموطنان و همشهریان سلحشور، نهضت تاریخی و سرنوشت‌ساز آذربایجان را تبریک گفته توفیق بیشتری به شما که خسته و ناراضی از دشمنان ایران و ایرانی هستید آرزومند است از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم، موجب کمال خرسندی و سرافرازی است که این بار هم مردم رشید آذربایجان پیشگام نجات اسلام راستین و ایران بزرگ از انحرافات و انحصار گران و قدرت طلبان گردیده و توانسته‌اند مصونیت استقلال و تمامیت ارضی ایران عزیز را در استحکام ریشه آزادی تأمین و تضمین نمایند. با اغتنام از فرصت باید یادآوری بکنم که قانون اساسی مصوب مجلس تحمیلی باصطلاح خبرگان اساساً باطل بوده و فاقد اعتبار است و به همین مناسبت دولت موقت انقلاب انحلال همان مجلس را دو ماه قبل تصویب نمود که متأسفانه از اجرای این تصویب‌نامه جلوگیری شد، مقاومت منفی و چشمگیر و تاریخی ملت ایران خصوصاً مردم آذربایجان، کردستان، بلوچستان، ترکمنستان در همه‌پرسی اخیر از طریق استنکاف از دادن رأی نشان داد که اراده ملی ادامه مبارزه بر علیه حکومت فردی و استبدادی و ارتجاعی از یک طرف و استقرار ملی و حاکمیت ملی از طرف دیگر خلل ناپذیر است. همان اراده‌ای که سلطنت پهلوی را برانداخت، ملت ایران هرگز اجازه نمی‌دهد استبداد و ارتجاع دیگری که مجلس خبرگان در مقام استقرار آن بود جایگزین استبداد محمدرضاشاهی گردد، به امید پیروزی بیشتر ورهائی ایران از انواع خطرهای که آن را تهدید می‌کند از خداوند تبارک و تعالی مسئلت می‌نمایم که مردم ایران را از خبرهای امیدبخش تری در روزهای آینده خرسند و مشعوف سازد.»

۹- تأثیر جنبش آذربایجان در وقایع کردستان

به همان اندازه که روشنفکران آذربایجان به خلق کرد سمپاتی دارند و خود را با کردها همدرد احساس می‌کنند، مردم عادی آذربایجان نسبت به کردها آنتی پاتی دارند و بسیاری از

مردم عامی بویژه روستائیان از کردها می‌ترسند. این حساسیت ریشه‌های تاریخی و مذهبی دارد. آخوندهای شیعه همیشه کردها را کافر و غارتگر معرفی کرده و برای به راه انداختن جنگ شیعه و سنی و توهین به اعتقادات کردها هر ساله نمایش و مراسم عمرگشان ترتیب می‌دادند. حکام وقت نیز همواره از این مسئله بهره‌برداری کرده و از نیروی این دو ملیت علیه یکدیگر استفاده کرده‌اند. بعد از انقلاب نیز قتل عام مردم نقده برای دامن زدن به اختلافات قومی و تشدید جنگ شیعه و سنی بوده که خوشبختانه توسعه پیدا نکرد.

از طرف دیگر رشته‌های مودت در تاریخ معاصر آذربایجان و کردستان با آرمانها و خواسته‌های مشترک چنان در هم تنیده شده که آزادی هر کدام بدون آزادی دیگری ممکن نیست و زمینه‌های دوستی این دو ملیت بسیار گسترده‌تر از زمینه‌های تقابل آنهاست. با به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی آخوندهای تازه بدوران رسیده سودای جهاد علیه کردها را در سر می‌پروراندند و خیلی زود خمینی فتوای جهاد علیه کردها را داد و چمران را مسئول سرکوبی کردها نمود. اما چون خمینی در آذربایجان و کردستان پایگاهی نداشت مجبور شد که پاسداران کرمانی و اصفهانی را به جنگ کردها بفرستد و نقشه‌اش در مورد بهره‌برداری از نیروی جوانان آذربایجان علیه جنبش خلق کرد شکست خورد و ملاحسنی نماینده تام‌الاختیار خمینی در آذربایجان غربی هر چه تلاش کرد موفق نشد جنگ ترک و کرد راه بیاندازد و برعکس هر روز که می‌گذشت جوانان روشنفکر و مبارز آذربایجانی در کنار مبارزان کرد و اهل تسنن قرار می‌گرفتند و دوش بدوش آنها علیه سیاست قوم‌کشی رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می‌کردند. رهبران خلق کرد نیز کاملاً متوجه این موضوع بودند و در گفتار و کردارشان به دوستی جاودانه خلقهای آذربایجان و کردستان تأکید می‌کردند. آذربایجان پشت جبهه کردستان بود و آزادگان کرد شهر تبریز را پناهگاه خود می‌دانستند.

در چنین اوضاع و احوالی پیدایش جنبش طرفداران شریعتمداری در آذربایجان برای اکثر کردها منبع امید و قوت قلب بود و زمانی که تعداد چشمگیری از جوانان تبریز از مبارزات حق طلبانه خلق کرد با تظاهرات خیابانی پشتیبانی کردند و شعار دادند:

«آذربایجان کردستان، قارداشلیغیز مبارک» یعنی آذربایجان کردستان برادریتان مبارک. رهبران خلق کرد بیش از پیش از جنبش آذربایجان دلگرم شدند. نمایندگان عزالدین حسینی برای ارتباط‌گیری با جنبش آذربایجان به تبریز آمدند و حزب دمکرات کردستان به مردم آذربایجان پیام فرستاد. اما این برادری و یگانگی جنبه رسمی بخود نگرفت. اولاً بخاطر اینکه آیت‌الله شریعتمداری از کلمه خودمختاری خوشش نمی‌آمد. ثانیاً رهبران محافظه‌کار حزب خلق مسلمان نمی‌خواستند از طرف خمینی و اطرافیانش متهم به همکاری با سنی‌ها علیه شیعه‌ها بشوند. این رهبران از ته دل خواسته‌های خلق کرد را قبول نداشتند. اما واقعیت اینست که تا روزی که جنبش طرفداران شریعتمداری در آذربایجان فعال بود و سرکوب نشده بود، رژیم جمهوری اسلامی نمی‌توانست و نتوانست محاصره اقتصادی و نظامی کردستان را عملی سازد و تنها بعد از سرکوب جنبش در آذربایجان بود که جمهوری اسلامی توانست از ورود مواد غذایی و بنزین و سوخت زمستانی به کردستان ممانعت کند و محاصره را کامل نماید. اگر به همان اندازه که رهبران خلق کرد به جنبش آذربایجان اهمیت قائل بودند، رهبران حزب خلق مسلمان هم اهمیت موضوع را می‌فهمیدند آنگاه نه آذربایجان و نه کردستان دچار چنان سرنوشت غم‌انگیزی نمی‌شدند که حکومت خمینی بر آنان تحمیل کرد. در روزنامه خلق مسلمان خواسته‌های کردستان عادلانه شناخته می‌شد و سخنرانان این حزب نیز در میتینگ‌ها اعلام می‌کردند که ما همان چیزی را می‌خواهیم که کردها می‌خواهند. یعنی حق خود اداری استان‌ها و خواندن و نوشتن به زبان مادری هر قوم و ملیت. لیکن گامهای عملی جهت تحقق خواسته‌های مشترک و عادلانه این دو ملیت و همچنین همه ملیت‌های تشکیل دهنده ملت ایران برداشته نشد و دیکتاتوری مذهبی یکی بعد از دیگری حقوق ملیت‌ها را نابود کرد. در اینجا اعلامیه‌های حزب دمکرات و کردهای مقیم مرکز را در پشتیبانی از مردم آذربایجان عیناً می‌آورم.

پشتیبانی حزب دمکرات کردستان از خلق آذربایجان

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران با انتشار اعلامیه‌ای با محکوم کردن عوامل حادثه حمله به منزل آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری از خواسته‌های مردم آذربایجان در جهت رفع ستم ملی و کسب خود مختاری پشتیبانی کرد. متن اعلامیه کمیته مرکزی حزب دمکرات چنین است:

خلفهای مبارز ایران مردم آزاده کردستان، در شرایط حساس کنونی که خلقهای ایران به مبارزه جدی با امپریالیسم آمریکا برخاسته‌اند و انقلاب ضد استبدادی و ضد امپریالیستی ایران در روند تکاملی خویش با تهدیداتی از جانب امپریالیسم و ارتجاع داخلی روبرو گشته است. حمله مسلحانه از ناحیه گروهی ضد انقلاب به منزل آیت‌الله‌العظمی سید کاظم شریعتمداری صورت گرفته است. ماین اقدام ضدانقلابی را که بی‌گمان به آرمانها و نهادهای انقلابی لطمه می‌زند مخالف اصول و اهداف انسانی و انقلابی میدانیم و تأسف عمیق خود را از جریان این ماجرا اعلام می‌داریم و معتقدیم که حمله به حریم مقدس آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری توطئه‌ای بوده که از طرف ضد انقلاب تمهید گشته است. حزب دمکرات کردستان خواستار مجازات شدید عاملین و مسببین این حمله ناجوانمردانه می‌باشد. در عین حال حزب ما از خواسته‌های مشروع مردم آذربایجان مبنی بر رفع ستم ملی از خلق تحت ستم آذربایجان و کسب خود مختاری پشتیبانی می‌نماید.

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان. ۵۸،۹،۱۶

پشتیبانی کردهای مقیم مرکز

جمعیت کردهای مقیم مرکز حفظ حرمت مسکن و حیثیت و شرف و جان افراد را از اصول اولیه اساسی حکومت مردمی و لازمه استقرار دمکراسی دانسته و می‌داند. هرگونه تعرض به هر صورت به شرف و حیثیت و مسکن افراد محکوم و مردود است. وخامت امر وقتی بیشتر مشهود می‌گردد که این تعرض به سبب بیان عقیده و نظر و یا در رابطه با آن باشد. از آنجا که اظهار نظر در مورد هر مسئله و موضوعی که با سرنوشت و حقوق انسانی آحاد و

افراد، خلق‌ها و مملکت ارتباط داشته باشد. حق غیرقابل تردید تعرض ناپذیر آحاد و افراد ایرانی است. این حق باید از طرف دولت و مراجع مسئول تضمین گردد. حمله و هجوم به اقامتگاه حضرت آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری و قتل و جرح نگهبانان منزل معظم‌اله عملی است ضد انسانی و ضد آزادی و مخالف مصالح واقعی انقلاب و ملت ایران است.

ما نه تنها این عمل را محکوم می‌کنیم بلکه اعلام می‌داریم که در شرایط بحرانی و حساس کنونی این قبیل اعمال فاجعه آفرین است و لذا ضمن اظهار همدلی و همبستگی با خلق دلاور آذربایجان، تعقیب و مجازات عاملین، محرکین و مباشرین این عمل ضد انسانی و ضد انقلابی را قاطعانه درخواست می‌داریم.

جمعیت کردهای مقیم مرکز ۵۸،۹،۱۵

۱- شورش هندوانه

آیت‌الله قاضی طباطبائی که در زمان شاه بعلت طرفداری از خمینی مدتی در کرمان تبعید بود در روزهای انقلاب همه کاره آذربایجان می‌شود. خمینی آیت‌الله قاضی را امام جمعه تبریز و نماینده خمینی در آذربایجان می‌کند. قاضی هم از نظر سیاسی و هم از نظر مذهبی نفوذ زیادی داشت. طرفداران آیت‌الله شریعتمدار نماز خواندن پشت سر او را تحریم کرده بودند. وی می‌خواست محل نماز جمعه را به میدان راه آهن تبریز منتقل کند اما مخالفین او و طرفداران شریعتمداری می‌گفتند که زمینهای میدان راه آهن را شاه بزور از کشاورزان محله شنب غازان گرفته و چون این زمینها غصبی است پس نماز خواندن در آنجا درست نیست و نماز باطل است. در تابستان ۵۸ در گرماگرم جنبش آذربایجان، قاضی برای تهدید سرمایه‌داران طرفداران شریعتمداری نطق تندی علیه سرمایه‌داران و گرانفروشان در خطبه

نماز جمعه ایراد می‌کند و از مردم می‌خواهد که خودشان حساب سرمایه‌داران را برسند. وی در خطبه نماز جمعه از جمله به بالا بودن قیمت هندوانه اشاره کرده بود. این خطبه و تحریک مردم به تسویه حساب با سرمایه‌دارها منجر به یک حرکت وسیع شد که روشنفکران تبریز بدان عنوان «نهضت قاریوز» یعنی نهضت هندوانه داده‌اند.

در این حرکت تند که دو روز ادامه داشت، هزاران تظاهر کننده به میدان بارفروشان تبریز (میدان صاحب‌الامر) و بازار میوه درب گجیل و سایر مراکز بارفروشی حمله کردند و چون فصل هندوانه بود و قیمت هندوانه نیز از نرخ هر ساله اندکی گرانتر بود، لذا تظاهر کنندگان کلیه هندوانه‌ها را بزمین زده و از بین می‌بردند. شعار این تظاهرات عبارت بود: «اسلام پیروز است - سرمایه‌دار نابود است». البته غیر از فحش‌های ناموس و رکیک که به هر چه هندوانه و هندوانه فروش است نثار می‌شد. گفته شده است که هدف قاضی از تحریک مردم به شورش، زهر چشم گرفتن از سرمایه‌داران طرفدار شریعتمداری بوده است اما در عمل بدلیل ضعف حزب‌الله در آذربایجان، ابتکار عمل از دست آنان خارج شد و تظاهراتی‌های چپ سردسته شدند. در آن روزها طرفداران فدائیان خلق در تبریز کاملاً متشکل و همیشه آماده‌باش بودند و بلافاصله نیز ابتکار هدایت شورش هندوانه را بدست گرفتند. تظاهر کنندگان که فرصتی برای مبارزه عملی با سرمایه‌داران پیدا کرده بودند، بدون در نظر گرفتن اینکه هندوانه فروش طرفدار کیست، داروندارش را خرد و خمیر می‌کردند. در چند مورد نیز انبار مایحتاج عمومی از جمله برنج و روغن نباتی توسط تظاهرات کنندگان به بیرون ریخته شده و به قیمت خرید اولیه به مردم فروخته شد. در اینجا هم مثل هر شورش و اغتشاش دیگر کنترل سیستماتیک تظاهر کنندگان وجود نداشت و هر کس از راه می‌رسید دق دلش را سر هندوانه‌ها درمی‌آورد. بدینجهت هندوانه‌ها و خربزه‌های بساط دستفروشها و بقالهای خرده‌پا نیز توسط مردم خرد شد و از بین رفت و از آن پس تا پایان سال ۵۸ قیمت هندوانه از کیلویی ده ریال بالاتر نرفت درحالیکه قبل از شورش قیمت هندوانه کیلویی به چند تومان می‌رسید. در واقع حرکتی که برای ترساندن بازاریان طرفداران شریعتمداری طراحی شده بود به یک شورش تمام عیار تبدیل شد که علیه هرگونه سرمایه و سرمایه‌دار جهت‌گیری کرد و حتی سرمایه‌های جزء را هم استثناء

نکرد. خمینی بعد از این شورش بود که طی یک سخنرانی گفت که: « مردم برای هندوانه انقلاب نکرده‌اند و اقتصاد مال خراست!»!

شورش علیه هندوانه فروشها، قدرت نمائی طرفداران خمینی در مقابل پایگاه اقتصادی شریعتمداری از نظر روانی موفق شد و بعد از آن هر روز تجار و بازاریان طرفداران شریعتمداری را با قیام توده‌ای و شورش مردم تهدید می‌کردند و هر روز در شهر شایع می‌شد که امروز به بازار جواهرفروشها حمله خواهند کرد و فردا به بازار فرش فروشها و الی آخر...

بانی شورش فوق یعنی آیت‌الله قاضی در هفتم آبان‌ماه ۱۳۵۸ در سر کوچه مقصودیه تبریز که خانه‌اش در آنجا بود، ترور می‌شود. گروه فرقان ترور وی را بعهد می‌گیرد. بعد از قاضی آیت‌الله مدنی امام‌جمعه تبریز می‌شود که نسبت به قاضی شخصیت ضعیفی داشت. در سایر نقاط ایران شورش هندوانه‌به طرفداران آیت‌الله شریعتمداری نسبت داده شده است اما چنانکه توضیح داده شده، قضیه بر عکس بوده است و لیکن مردم معمولی که مقلدین شریعتمداری بودند در تظاهرات شرکت کرده بودند.

۱۱- درگیریهای

فدائیان خلق و طرفداران شریعتمداری

با قطعیت می‌توان گفت که آغاز کننده دعوا و مقصر اول درگیریهای فدائیان خلق و طرفداران شریعتمداری، آخوندهای طرفدار شریعتمداری بودند. آنان که در مساجد و منابر مردم را علیه فدائیان تحریک می‌کردند و چون فدائیان نیروی عظیمی در تبریز بودند، آنها

می‌گفتند که خمینی و اطرافیانش کمونیست هستند و بهمین خاطر به کمونیستها میدان داده‌اند تا رشد بکنند. بنابراین برای مبارزه با خمینی باید با کمونیستها مبارزه کرد. درگیریهای فدائیان با شریعتمدارچی‌ها (این اصطلاحی است که در آذربایجان متداول بوده و هست) از همان روزهای انقلاب شروع شد و در واقع ادامه همان خصومت‌های قبل از انقلاب بود که بعد از انقلاب جنبه مسلحانه بخود گرفته بود بویژه که فدائیان خلق در تسخیر و خلع سلاح پادگان تبریز نقش جدی داشتند و طرفداران شریعتمداری از اینکه مقدار زیادی اسلحه در دست فدائیان است بیمناک بودند و به هر بهانه‌ای می‌خواستند آنها را خلع سلاح نمایند. اولین تصادم جدی بلافاصله بعد از انقلاب و در روزهای اسفند ۵۷ رخ می‌دهد. کمیته طرفدار آیت‌الله شریعتمداری در سردرود (غرب تبریز) دو نفر از فدائیان خلق را که تازه از فلسطین برگشته بودند و در تبریز چند عمل مسلحانه علیه مراکز و عناصر حساس رژیم شاه انجام داده بودند، دستگیری می‌کند و انبار اسلحه آنان را که عبارت بود از بیست و هفت قبضه تفنگ خودکار، مقدار زیادی مهمات و سلاح کمربندی با اضافه دو عدد مسلسل یوزی که سلاح‌های شخصی این دو نفر بود ضبط می‌کند و آن دو نفر را به پادگان تبریز تحویل می‌دهد. دو فدائی مذکور بیژن نوبری (علیرضا) و ابراهیم لطف‌الله‌زاده (سعید) بودند. اعضاء و هواداران فدائیان خلق بعد از اطلاع یافتن از دستگیری این دو نفر در پایان یک جلسه سخنرانی که نگارنده نیز از سخنرانان آن جلسه بود بطرف پادگان تبریز حرکت می‌کنند و درحالی‌که نمایندگان فدائیان برای مذاکره جهت آزاد کردن آن دو نفر به داخل پادگان می‌روند، جمعیتی حدود هزار نفر جلوی پادگان تظاهرات می‌کنند و یکصدا شعار می‌دهند: «چریک فدائی آزاد باید گردد» و در اثر این تجمع خیابانهای اطراف پادگان راه‌بندان می‌شود. این تظاهرات که در ساعات اول شب به اوج خود رسیده بود به یک درگیری مسلحانه منجر می‌شود. در گوشه‌ای از تظاهرات یک تیرهوائی با سلاح کمربندی شلیک می‌شود و بدنبال آن گاردهای محافظ پادگان با سلاح‌های خودکار شروع به تیراندازی از بالای سر مردم می‌کنند. گروهبان نگهبان پادگان که هم محله من بود، مرا از میان جمعیت صدا می‌کند و خواهش می‌کند که به مردم بگو آرامش خودشان را حفظ بکنند و همچنین بیابرو داخل پادگان و بگو که مذاکرات را تمام بکنند و گرنه جوی خون راه می‌افتد. بالاخره با پادرمیانی و برای جلوگیری از بدتر شدن اوضاع، دو نفر دستگیر شده آزاد می‌گردند ولی سلاح‌ها ضبط می‌گردد. بعدها دو نفر یاد شده در سال

شصت توسط جمهوری اسلامی دستگیر و بعد از تحمل چند سال زندان و شکنجه سرانجام اعدام شدند. درگیری پادگان تبریز از این نظر اهمیت زیاد داشت که اولین بار بود که بعد از انقلاب بروی تظاهر کنندگان آتش گشوده می‌شد. در آن روزها پادگان تبریز در دست نیروهای مذهبی بود و مجاهدین خلق، طرفداران دکتر پیمان(امت)، طرفداران نهضت آزادی و نمایندگان خمینی با هم پادگان را اداره می‌کردند و بعد از این واقعه طرفداران نهضت آزادی اعلامیه دادند و هرگونه تیراندازی بروی مردم را محکوم کردند و در ضمن از تجمع در مقابل پادگان نیز انتقاد کردند. اما درجه‌داران و فرماندهان پادگان که طرفداران شریعتمداری بودند، اظهار نظری نکردند. آنان کلاً از دخالت نیروهای سیاسی در امور نظامی ناراحت بودند ولی از ترس مردم جرئت نداشتند ناراحتی خود را آشکارا بیان بکنند و به دنبال راهی می‌گشتند تا عقده دل خود را خالی سازند و دیری نگذشت که این امکان فراهم شد و به دنبال قدرت‌گیری طرفداران شریعتمداری در تبریز، اکثریت قریب باتفاق نظامیان به حزب خلق مسلمان پیوستند و شروع به اظهار نظر در مورد مسائل سیاسی نمودند. چون دونفر فدائی مذکور را کمیته طرفدار شریعتمداری دستگیر کرده بود، لذا آغاز خصومت بین فدائیان و شریعتمدارچی‌ها را باید از همین مسئله نسبتاً بزرگ در نظر گرفت. این خصومت تا پایان سال ۵۸ هرروز شدیدتر می‌شد و بعضی از کمیته‌های طرفدار شریعتمداری روز بروز شدت عمل بیشتری در مورد فدائیان خلق به خرج می‌دادند.

درگیری دیگر فدائیان با شریعتمدارچی‌ها بر سر تأسیس ستاد در داخل شهر تبریز بود. ستاد فدائیان در آن روزها در دانشگاه تبریز بود و مرکز فعالیت دانشجویان پیشگام دانشگاه تبریز و ستاد فدائیان در یک جا متمرکز بودند. آیت‌الله قاضی و مقدم مراغه‌ای هر دو شفهاً می‌پذیرفتند که فدائیان حق دارند ستادی در داخل شهر داشته باشند چون دانشگاه در کنار شهر است و رفت و آمد به آنجا با مشکل توأم است. اما رؤسای کمیته‌ها که اکثراً از طرفداران شریعتمداری بودند بهیچوجه قبول نمی‌کردند که فدائیان ستادی در شهر داشته باشند و روزی هم که از طرف استانداری رسماً محلی در «چای کنار» نزدیک پل دَوچی در اختیار فدائیان گذاشته شد، کلیه عناصر ضد کمونیست تبریز تحت عنوان حزب‌الله به ستاد فدائیان حمله کردند و قبل از اینکه ستاد رسماً شروع به فعالیت کند، آنجا را اشغال کردند. بعدها این محل مرکز موتوری سپاه پاسداران شد. در جریان اشغال ستاد فدائیان که با

تیراندازی و یورش مسلحانه صورت گرفت یکی از فدائیان تیر خورد و بشدت زخمی گردید.

شریعتمدارچی‌ها حتی نمی‌خواستند فدائیان در دانشگاه تبریز نیز حضور داشته باشند و برای پیشی گرفتن از حزب‌اللهی‌های طرفدار خمینی، مرتب به تجمعات فدائیان در دانشگاه حمله می‌کردند و در دسر ایجاد می‌کردند. در یکی از این حملات که مشخصاً از طرف کمیته‌های طرفدار شریعتمداری صورت گرفت، حدود چهل نفر از فدائیان خلق دستگیر شده و به زندان منتقل شدند اما چند ساعت بعد بعثت شورش این چهل نفر و همچنین از ترس اینکه مبادا فدائیان از بیرون برای آزاد کردن رفقای خودشان حمله بکنند مجبور شدند بازداشت شده‌گان را آزاد نمایند.

هیچ شکی وجود ندارد که عملیات تهاجمی شریعتمدارچی‌ها توسط روحانیون طرفدار شریعتمداری که بشدت و باتعصب کور ضد کمونیست بودند، سازماندهی می‌شد. آنها صراحتاً و مکرراً می‌گفتند که حزب‌الله طرفدار خمینی عرصه‌ی مقابله با کمونیست‌ها را ندارد. صبر کنید تا ما به قدرت برسیم، آنوقت نشان خواهیم داد که حزب‌الله واقعی کیست و حزب‌الله چیست و چگونه عمل می‌کند. روشن است که تمام کارهای ضد کمونیستی شریعتمدارچی‌ها مورد تأیید طرفداران خمینی نیز واقع می‌شد.

فدائیان خلق در محل‌های کار و زندگی خود نیز از طرف افراتیون طرفدار شریعتمداری تحت فشار و تهدید جانی بودند. بعنوان مثال دو نمونه که مربوط به خودم بوده نقل می‌کنم: شبی در بهار سال ۵۸ چند نفر از فدائیان قدیمی در منزل مادری من در محله حکم‌آباد مهمان من بودند و به همین خاطر حدود بیست نفر از نمایندگان کارخانجات تبریز نیز برای آشنایی با آنها به منزل ما آمده بودند. شب هنگام افراد مسلح کمیته حکم‌آباد که زیر نظر مستقیم آیت‌الله حکم‌آبادی اداره می‌شد خانه ما را محاصره کردند. اما بخاطر نفوذ و احترامی که من در محل داشتم از حمله به خانه ما خودداری کردند ولی چهار نفر از نمایندگان شورای پالایشگاه تبریز را که می‌خواستند به خانه ما بیایند دستگیر کردند و به

کمیته بردند. محاصره تا صبح ادامه یافت و مهمانان صبح زود چند تا چند تا از خانه خارج شده و به سر کارهایشان رفتند.

بار دیگر بین هواداران فدائی و شریعتمدارچی‌ها بر سر میتینگ انتخاباتی نعمت محمدی گلپینی کاندیدای فدائیان درگیری حادی رخ داد. نعمت یک کارگر ساختمانی جوان از روستای گلپین قره‌چمن بود. جوانان محله در خانه مادری من جمع شده بودند تا برای اداره میتینگ و حفظ نظم تقسیم کار بکنند. برای اعلام این میتینگ اعلامیه‌های زیادی نیز پخش شده بود و اولین بار بود که فدائیان دریک محله کارگر نشین تبریز میتینگ می‌گذاشتند. کمیته حکم‌آباد بعد از مطلع شدن از قصد فدائیان حالت فوق‌العاده اعلام نمود و با صرف هزینه سنگین تا آنجا که امکان داشت نیروهای مسلح کمیته‌های طرفدار شریعتمداری را از نقاط مختلف شهر به حکم‌آباد آورد. در ساعت مقرر حدود بیست هزار نفر جمعیت در میدان سبزی فروشان حکم‌آباد و کوچه‌ها و میادین اطراف گرد آمده بودند که در این هنگام افراد مسلح کمیته‌های شریعتمداری به سرپرستی حجت‌الاسلام سید رضاحکم‌آبادی، پسر آیت‌الله حکم‌آبادی برای برهم زدن میتینگ حمله کردند و چند نفر از افراد انتظامات میتینگ را بشدت کتک زده و مضروب کردند. چند دستگاه بلندگو را بزور گرفتند و دکه روزنامه فروشی محل را که برای عرضه نشریات فدائیان ساخته شده بود خرد نموده و کاملاً از بین بردند. نعمت محمدی گلپین قبل از شروع سخنرانی‌اش از محل رفت و بجای آن حجت‌الاسلام حکم‌آبادی مثل یک فاتح بزرگ سخنرانی شعار-گونه‌ای علیه فدائیان ایراد نمود که البته مردم در حین سخنرانی او پراکنده شدند و با اوقات تلخی رفتند. در این مورد نیز علی‌رغم میل آخوندهای حاضر در محل افراد کمیته حکم‌آباد حاضر نشدند به خود من که در واقع مسئول این تجمع بودم بی‌احترامی بکنند و حتی از روبرو شدن با من خودداری کردند. من در میان جمعیت بودم و سعی می‌کردم درگیری مسلحانه نشود.

نظیر این درگیری‌ها هر روز در محلات مختلف تبریز بین فدائیان و شریعتمدارچی‌ها اتفاق می‌افتاد و طرفداران خمینی نیز آتش بیار معرکه بودند و به قولِ مَثَلِ معروف تبریزی‌ها، مار را با دست سید احمد می‌گرفتند. تعقیب و آزار فدائیان توسط شریعتمدارچی‌ها هر روز حادثر می‌شد و حتی از محدوده تبریز و سایر شهرهای آذربایجان نیز فراتر می‌رفت. در آن موقع فدائیان در گنبد و کردستان با نیروهای خمینی می‌جنگیدند و ما بارها شاهد بودیم که

افراد متعصب کمیت‌های شریعت‌مداری برای شناسائی فدائیان تبریز که در کردستان و گنبد اسلحه برداشته بودند به آن مناطق می‌رفتند و در صورت شناسائی، افراد خانواده و بستگانش را در تبریز تحت فشار و تعقیب می‌گذاشتند.

ذکر این نکته نیز ضروری است که در بعضی از محلات تبریز که بافت سنتی خودشان را حفظ کرده‌اند، لوطی‌ها و داشی‌های مخصوصی وجود دارند که بعضاً نیز از طریق باجگیری زندگی می‌کنند و در ضمن تعصب شدید بچه‌های محل خود را دارند و چنانکه می‌دانیم بعضی از این لوطی‌ها در انقلاب مشروطیت تعمیم یافتند و فداکاریهای زیادی از خود نشان دادند اما چون این افراد آگاهی زیادی ندارند اغلب آلت دست قدرتمندان می‌شوند. در جنبش طرفداران شریعت‌مداری نیز اینگونه افراد، طرفدار افراطی شریعت‌مداری شدند و یکی از آنان بنام مجید کوزه‌گر در کوی کوزه‌گرخانه تبریز بود که بعداً توسط جمهوری اسلامی اعدام شد. من از آوردن نام داشی‌های دیگر محلات خودداری می‌کنم اما تأکید می‌کنم که آزار و اذیت فدائیان و ایجاد درگیریها اغلب با تحریک آخوندها و با سردستگی این داشی‌ها بوده است.

۱۲- در باره آیت‌الله

حاج سید میرزا یوسف هاشمی حکم‌آبادی

در این نوشته مرتب از آخوندهای طرفدار شریعت‌مداری صحبت به میان می‌آید. بدین جهت ضروری است چند کلمه‌ای درباره برجسته‌ترین فرد این قشر در آذربایجان نوشته شود. چنانکه قبلاً اشاره کردم آیت‌الله حکم‌آبادی شاه را پدر ملت می‌دانست که هر کس با او مخالفت کند عاق والدین می‌شود. من از دوران کودکی با آیت‌الله و پسرانش آشنائی نزدیک داشتم اما از موقعی که من در زندگی خود راه مبارزه با دیکتاتوری را انتخاب کردم از نظر

عملکرد سیاسی درست در جهت عکس آیت‌الله حکم‌آبادی و فرزندانش قرار گرفتم و در محله حکم‌آباد همه ما را بعنوان کارد و پنیر می‌شناختند. با فرا رسیدن انقلاب بهمن و سقوط شاه، حقانیت راه دشوار من ثابت شده بود. با اینهمه حاضر بودم با آیت‌الله آشتی‌بکنم و با هم همکاری بنمائیم. در روزهای حکومت نظامی اوایل بهمن من به اطرافیان آیت‌الله پیشنهاد کردم که به رسم مبارزان دوران مشروطیت راههای ورودی محله حکم‌آباد را که آنموقع بیش از صد هزار نفر جمعیت داشت دروازه‌های آهنی بگذاریم و از ورود افراد فرمانداری نظامی به داخل محل جلوگیری کنیم و به همین خاطر لازم است کمیته‌ای از معتمدین و مبارزین محل تشکیل بدهیم که انتظامات محل را سازمان بدهند و مایحتاج عمومی را تأمین نمایند. این کار در آن روزها کاملاً عملی بود اما آیت‌الله با این استدلال که کمیته را کمونیست‌ها تشکیل می‌دهند با طرح من مخالفت کرد اما بلافاصله بعد از ۲۲ بهمن مجبور شد با تشکیل کمیته محل موافقت کند و محل مدرسه فرقانی حکم‌آباد که وابسته به اداره اوقاف بود و توسط آیت‌الله حکم‌آبادی تأسیس شده بود، تبدیل به اولین کمیته اسلامی شد. آیت‌الله حکم‌آبادی مجتهد سرشناس و نماینده تام‌الاختیار آیت‌الله شریعتمداری در آذربایجان بود و قاطعانه می‌گویم که وی سمبل آخوندهای غیر سیاسی بوده است و از سیاست فقط تعزیر و تکفیر را می‌دانست. بعد از جنبش نیز که مجبور شد در تهران در خانه پسرش ساکن شود. مطلقاً از صحنه سیاست غایب شد. خانه آیت‌الله در میدان حاج حیدر محله حکم‌آباد تبریز کانون تجمع طرفداران و مقلدین آیت‌الله شریعتمداری و در عین حال محل ارتباط مستقیم تلفنی با شخص شریعتمداری در قم شده بود. انقلاب همه چیز را واژگون ساخته بود و اینک یک آخوند غیرسیاسی می‌بایست به مشکلات مملکت پردازد و دو استان پرجمعیت بزرگ کشور را اداره کند. کاری که از عهده آیت‌الله و اطرافیان کاملاً بی‌سوادش بر نمی‌آمد. فراموش نمی‌کنم روزهایی را که در سال ۵۸ فرماندهان نیروهای مسلح در آذربایجان به خدمت آقا می‌آمدند تا کسب تکلیف بکنند و دستورالعمل بگیرند و آیت‌الله حکم‌آبادی در جواب آنها را دعا می‌کرد. ازدهای خفته در اثر ضربه انقلاب از خواب برخاسته بود لیکن مغزش کوچکتر از آن بود که هیکل عظیمش را هدایت کند.

با فعال شدن آیت‌الله حکم‌آبادی در جریان جنبش، سندی که از مرکز ساواک بدست آمده بود و نشان می‌داد که آیت‌الله برای مبارزه با طرفداران خمینی از ساواک پول گرفته است. وسیعاً پخش شد. درپخش این سند کلیه نیروهای سیاسی آنروز که با شریعتمدار و اطرافیانش مخالف بودند، سهمیم هستند و حتی کمونیست‌ها بیشتر از طرفداران خمینی این سند را پخش کرده‌اند زیرا آخوندهای طرفدار خمینی در تبریز که خود نیز پرونده‌های سیاهی در گذشته داشتند، نمی‌خواستند کاری بکنند که پای خودشان را هم بگیرند و از طرف دیگر برای حفظ منافع قشری درست نمی‌دانستند که به مردم بگویند که آخوندها از شاه پول می‌گرفتند تا علیه همدیگر خرج بکنند و بر عکس چنین ادعا می‌کردند که هرآخوندی از روزی که طلبه شده مبارزه با شاه را نیز شروع کرده است. برای مطلع شدن از چند و چون قضیه عین سند را در اینجا می‌آورم.

شماره ۵۳/۱۵۲۲۴

تاریخ ۱۹/۱۰/۵۷

خیلی محرمانه

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

به ساواک آذربایجان شرقی

از سازمان اطلاعات و امنیت کل کشور

پیوست ندارد

در باره کمک مالی به روحانیون مخالف خمینی در تبریز

نظر بر اینکه آقایان میرزا یوسف هاشمی حکم‌آبادی و میرزا مجید واعظی و میرزا حمید شربینانی سردسته مخالفان خمینی و قاضی هستند دستور دهید کلیه وجه ویژه ده میلیون ریالی روحانیون در ساواک تبریز در اختیار نامبردگان فوق قرار داده شود و به آنها تأکید گردد که بودجه مزبور باید بر علیه خمینی و سردسته طرفداران خمینی در تبریز یعنی قاضی خرج و تبلیغ گردد و مراتب جهت اقدام سریع اعلام می‌شود.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کل کشور - سپهد مقدم

ش ۳۵-۲۵۸

خیلی محرمانه

امضاء از طرف

۱۳- همکاریهای طبیعی

طرفداران شریعتمداری و هواداران فدائیان خلق:

شاید بعد از شرح اینهمه دشمنی بین فدائیان و طرفداران شریعتمداری، عجیب به نظر بیاید که بین این دو نیرو همکاری وجود داشته باشد. اما واقعیت اینست که در آغاز نهضت هیچگونه کینه و دشمنی در بدنه این دو نیرو نسبت به هم وجود نداشت. من فراموش نمی‌کنم تظاهراتی را که بعد از جنگ سنج به طرفداری از خلق کرد در تبریز براه افتاد و طرفداران فدائیان خلق و طرفداران آیت‌الله شریعتمداری دوش بدوش هم در دفاع از حقوق عادلانه خلق کرد هم‌آواز شدند و راهپیمائی کردند. لیکن بتدریج کینه و دشمنی جای دوستی و صمیمیت را گرفت و در این تغییر موضع رهبریت هر دو جریان مقصر بودند. رهبران حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان و اطرافیان شریعتمداری عموماً سابقه همکاری با رژیم شاه داشتند در عین حال خمینی و دوروبر وی را بخوبی می‌شناختند و موضعگیریهای سیاسی شان در مقابل رژیم جدید در مجموع درست و در جهت مشخص و روشنی بود. برعکس آنان، رهبران سازمان فدائیان خلق مبارزان سرسخت با رژیم شاه بودند و سالها عمر خود را در زندانهای شاه‌گذرانده بودند ولی سیاستهایشان در مقابل جمهوری اسلامی روشن نبود و برنامه مشخصی نداشتند و ماهیت رژیم جدید را هم خوب نمی‌شناختند. فدائیان در آن روزها با برنامه و اهداف جریانات سیاسی کاری نداشتند بلکه سابقه افراد و جریانات برای آنان مهم بود.

به سخن دیگر، آنها اصلاً دقت نمی‌کردند که طرف چه می‌گوید و فقط حساسیت داشتند که گوینده کیست. سراسر روزنامه‌های کار و نشریات دیگر فدائیان پر است از اصطلاح «دوستان دروغین خلق». در آن موقع هر کسی یا جریانی حرف حساب می‌زد فدائیان می‌گفتند که فلانی عوامفریبی می‌کند، این همان شخصی است که با شاه فلان رابطه را داشته است و با آمریکائیان بهمان رابطه را.

این ضرب‌المثل معروف را که « منگر که که می‌گوید، بنگر که چه می‌گوید» را وارونه کرده و می‌گفتند: «منگر که چه می‌گوید، بنگر که که می‌گوید». در حالیکه هر سیاستمداری باید هر دو جنبه قضیه را در نظر بگیرد و اول ببیند که طرفش چه می‌گوید و بعد دقت کند که کیست که این حرف را می‌زند. آنهاحتی این معیار ساده خمینی را که می‌گفت: «میزان حال افراد است»، نمی‌توانستند بفهمند و بکار ببرند.

به این ترتیب سیاست رهبری فدائیان خلق، تهییج هواداران به مخالفت و دشمنی با طرفداران شریعتمداری و حزب خلق مسلمان بود و زمانی نیز که بعد از اشغال سفارت آمریکا توسط حزب‌الله سیاست فدائیان با رژیم همسو شد، دشمنی با طرفداران شریعتمداری صد چندان شد. از آنطرف نیز سیاست ضد کمونیستی و انحصار طلبانه روحانیون طرفدار شریعتمداری، زمینه را برای این دشمنی فراهم می‌کرد. من قاطعانه می‌گویم اگر سیاست ائتلافی حزب خلق مسلمان و طرفداران شریعتمداری درست می‌بود، این آمادگی بالقوه در فدائیان وجود داشت که با جنبش آذربایجان همراهی بکنند. دلیل این ادعای من نیز همکاری نزدیک و همه جانبه فدائیان با حزب دمکرات کردستان و عزالدین حسینی می‌باشد. اگر خلق مسلمانانها زمینه دشمنی را آماده نمی‌کردند، سیاست غلط رهبران فدائی در آذربایجان پیش نمی‌رفت و هواداران فدائی علیه برادران و همشهریان خود بسیج نمی‌شدند.

در آغاز جنبش تعداد زیادی از هواداران فدائی در کمیته‌های خلق مسلمان آموزش دیدند. در تبلیغات روزمره علیه سیاستهای خمینی با هم همصدا بودند. علیه شیخ صادق خلخالی و موسوی تبریزی موضع مشترک داشتند. اغلب پدر و مادر و برادر و یا خواهر بزرگ هواداران فدائی مقلد و مرید آیت‌الله شریعتمداری بودند و حتی برای نجات همدیگر از دست مأمورین خمینی همکاری می‌کردند. بسیار اتفاق می‌افتاد که یکی از هواداران فدائی از طرف طرفداران خمینی تحت تعقیب واقع می‌شد و برای حفظ امنیت خود می‌رفت در کمیته شریعتمداری ثبت نام می‌کرد و تفنگ برمی‌داشت. من یک مورد بسیار مشخص و برجسته را در همین رابطه توضیح می‌دهم که خودم در آن نقش داشتم. قضیه از این قرار بود که در تابستان سال ۵۸ بیژن نوبری که قبلاً از وی اسم برده‌ام در تبریز مفقود شد. همه

فدائیان فکر می‌کردند که وی تصادفاً توسط کمیته‌ای دستگیر شده است اما هیچکس نمی‌دانست که توسط چه کمیته‌ای؟ برای یافتن وی من همراه با یک افسر کشیک شهربانی که طرفدار خلق مسلمان و دوست خود من بود یک شب تا صبح کلیه کمیته‌های تبریز را گشتیم. ما قرار گذاشته بودیم در هرزندان یا بازداشتگاهی بیژن را پیدا کردیم، افسر نامبرده رسید بدهد و به بهانه اینکه این شخص در شهربانی پرونده دارد او را تحویل گرفته و به شهربانی ببرد و حتی تصمیم گرفته بودیم در صورتیکه کمیته‌ای از تحویل وی خودداری کند، به کمک نیروی شهربانی کمیته مذکور را خلع سلاح کنیم و بیژن نوبری را آزاد نمائیم. اما هر چه گشتیم اثری از بیژن پیدا نکردیم. بعدها معلوم شد که طرفداران خمینی وی را ربوده و از راههای مخفی به تهران برده‌اند. بیژن از زندان تهران فرار کرد ولی در سال ۶۰ دوباره دستگیر شد و اعدام گردید. آن دسته از طرفداران فدائی که تیپ توده‌ای بوده و میان مردم نفوذ داشتند در زندگی روزمره خود با شریعتمدارچی روابط و همکاری داشتند بویژه در کارخانجات و ادارات برای مقابله با حزب‌اللهی‌های طرفدار خمینی این همکاریها برجسته‌تر بود. نقش افراد و عناصر دمکرات را که نه از روی اعتقادات مذهبی بلکه بخاطر انگیزه‌های سیاسی به حزب خلق مسلمان پیوسته بودند نباید در این همکاریها فراموش کرد. آنان آگاهانه و از جان و دل می‌خواستند که این دو نیروی سیاسی عمده در تبریز با هم همکاری و همراهی داشته باشند اما متأسفانه آنان در موقعیت‌های حساس حزبی و سیاسی نبودند که تعیین کننده باشند. عناصر دمکرات هم در میان هواداران خلق مسلمان و هم در میان هواداران فدائی به دور از قید و بندهای تشکیلاتی و دستورات شداد و غلاظ رهبری با هم همزیستی داشتند. آنها بطور طبیعی و مثل انسانهای متمدن برخورد دمکراتیک داشتند. به اعتقادات همدیگر احترام قائل می‌شدند و این اصل اساسی مردمی بودن رابخوبی می‌دانستند که نباید عامل سرکوب یکدیگر بشوند. عملکرد این نیروها در جریان دست بدست شدن رادیو تلویزیون مرکز آذربایجان مشخص‌تر شد زیرا علیرغم دستور تشکیلاتی رهبریت فدائیان خلق به هواداران برای حمله به نیروهای طرفدار شریعتمداری، اکثریت قریب باتفاق هواداران حاضر نشدند با همشهریان خود درگیر شوند. جزئیات این واقعه بطور جداگانه توضیح داده خواهد شد.

۱۴- رویگردانی دوستان نیمه راه

با رادیکالیزه شدن جنبش و جدی تر شدن صف‌آرایی در مقابل رژیم که از جریان قانون اساسی جدیدپدید آمده بود روحانیون دو دل و قدرت‌گرا بتدریج مسئله‌دار شدند. آنها تمام عمر خود را در خدمت رژیم حاکم گذرانده بودند و صلاح نمی‌دیدند که بعد از آنهمه عافیت‌طلبی در جهت مخالف جریان‌شنا بکنند. بویژه که حاکمیت جدید عنوان اسلامی نیز داشت و هر آخوندی که به سیاست‌های رژیم تمکین می‌کرد، مقام و ثروت و آسایش در انتظارش بود. بدین جهت تعداد چشمگیری از روحانیونی که در آغاز کار با آیت‌الله شریعتمداری همسو و همصدا بودند، طی یک اعلامیه بلند بالائی در مردادماه از سیاست آیت‌الله شریعتمداری و حزب خلق مسلمان انتقاد کردند و وفاداری خود را به رژیم خمینی اعلام نمودند و البته بلافاصله نیز مقامات چرب و نرم اداری نصیبتان شد. در مورد اینکه این روحانیون داوطلبانه به طرف رژیم رفتند و یا سران رژیم برای ایجاد شکاف در جنبش با تطمیع و تهدید توأم آنها را وادار به همکاری کردند، نظریات متفاوتی وجود دارد ولی بدنه جنبش بویژه نیروهای زحمتکش و مقلدین آیت‌الله شریعتمداری همچنان به راه خود ادامه دادند و تظاهرات اعلام وفاداری مجدد به آیت‌الله دوباره تبریز را پر کرد. من خود شاهد یک تظاهرات کاملاً خود بخودی از طرف جوانان قالیباف حکم‌آباد در پشتیبانی از آیت‌الله شریعتمداری بودم. یکی از دوستان دوران کودکی من سردهسته این تظاهرات بود و شعار می‌دادند:

باخماکی روحانیلر تک قویدولار سنی بیز سنی تک قویماروخ شریعتمدار
جان سنه قوربانندی شریعتمدار قم سنه زندان‌دی شریعتمدار

ترجمه:

ناراحت نباش که روحانیون ترا تنها گذاشتند ما ترا تنها نمی‌گذاریم
جان ما قربان توست شریعتمدار قم زندان توست شریعتمدار

اکنون دیگر مواضع سیاسی آیت‌الله شریعتمداری کاملاً روشن و مشخص شده است و برخلاف روزهای انقلاب و اوایل شروع جنبش در آذربایجان دست به عصا راه نمی‌رفت و در مورد مسائل مشخص اظهار نظر مشخص می‌کرد و موضع خود را اعلام می‌کرد. برای آشنائی با نظریات آیت‌الله در این دوره خوب است که مصاحبه اختصاصی وی را با «اریک رولو» خبرنگار مخصوص روزنامه فرانسوی لوموند عیناً نقل بکنیم. یادآوری این نکته ضروری است که اریک رولو در آن روزها از کارشناسان مسائل ایران محسوب می‌شد و سؤالاتش کاملاً ظریف و حساب شده است. نامبرده بعداً سفیر فرانسه در تونس و ترکیه شد. هنگامیکه در آذرماه رادیو تلویزیون تبریز به اشغال طرفداران آیت‌الله شریعتمداری در آمد، اریک رولو تنها خبرنگار خارجی بود که در تبریز حضور داشت و از محل هتل کنتینانتال تبریز وقایع تبریز را به سراسر جهان مخابره می‌کرد.

مصاحبه حضرت آیت‌الله العظمی شریعتمداری

روزنامه لوموند فرانسه :

«روحانیان اگر واجد شرایط باشند می‌توانند در امور مملکت شرکت کنند»

حضرت آیت‌الله العظمی سید کاظم شریعتمداری چند روز پیش با «اریک رولو» خبرنگار روزنامه فرانسوی لوموند را در قم به حضور پذیرفتند و به سؤالات متعدد وی در باره اوضاع جاری مملکت، وضع روحانیون، مسئله خودمختاری قانون اساسی و مجلس خبرگان، اعدام زنان بدکاره، دادگاههای انقلاب و ... پاسخ دادند. کیهان متن این مصاحبه را عیناً از نظر خوانندگان گرامی می‌گذراند. انعکاس اوضاع موجود ایران در خارج از کشور و بازتاب آن در پاره‌ای از وسایل ارتباط جمعی جهان گویای این واقعیت است که هرج و

مرجهایی در ایران وجود دارد فرصت خوبی پیش آمده است تا مصاحبه‌اخصاصی لوموند را با حضرت آیت‌الله شریعتمداری یکی از رهبران بزرگ و بانفوذ ایران از همین جا آغاز کنیم.

آیت‌الله شریعتمداری در پاسخ اولین سؤال در باره علل هرج و مرج داخلی می‌گوید: تا اندازه‌ای هرج و مرج وجود دارد و نارسائیه‌ها و نابسامانی‌ها دیده و شنیده می‌شود ولی به نظر ما همه اینها بعلت دوره‌انتقالی است. شما می‌دانید یک بنائی که ساخته و پرداخته مدتهای مدید بوده و هم اکنون خراب شده و بنای جدیدی بر روی آن ساخته نشده است بلکه روی خرابه‌های قدیم نشسته‌ایم. در حقیقت ما در مرحله‌ای بین قدیم و جدید هستیم و شک نیست که در این مرحله مشکلات و معضلات و نابسامانیها بعضاً به صورت هرج و مرج بروز خواهد کرد و همین طور هم شده است و ما همه آنها را لازمه این دوره می‌دانیم و امیدواریم به سرعت از میان برود. البته برای از بین بردن هرج و مرج و برقراری نظم باید دوش شرط سازنده و اساسی را مراعات کنیم.

اول: داشتن برنامه صحیح در انتقال و سازندگی، دوم: اجرای و سریع آن توسط مردم

سؤال: با چه برنامه و چگونه می‌توان مردم را قانع کرد که کارها را منظم کنند و دست از هرج و مرج بردارند؟

جواب: با برنامه‌های حساب شده‌ای که ملهم از دستورات و تعالیم اسلام است. در واقع اسلام دارای یک سلسله قواعد و کلیاتی است که می‌توان در هر زمان و در هر کجای دنیا آنها را ارائه داد و پیاده کرد. مثلاً اسلام به عدالت توصیه می‌کند. آزادیهای مشروع و منطقی را تضمین می‌نماید. به عدالت اجتماعی رفع ظلم و بی‌عدالتی علاقه‌مند است. علم و دانش را برای عموم تأکید می‌نماید و از جهل و بیسوادی برحذر می‌دارد. البته اینها نمونه‌هایی هستند و همه آنها را می‌توان با عقل و تدبیر و با تجربه و منطق در راه صلاح فرد و جامعه بکار گرفت. متأسفانه چیزی که هست اینست که بعضی از دولتمردان ماتجربه کافی و پختگی لازم را در اجرای برنامه‌های صحیح و سنجیده که شایسته دوران انقلاب و جمهوری اسلامیست ندارند. البته از نظر عقیده و ایمان خوبند ولی برای اداره مملکت تنها آدم خوب‌بودن کافی نیست اینکه همانطوریکه در سؤال قبلی جواب دادم با برنامه‌های صحیح

که ملهم از تعالیم اسلامی باشد بدست یک دولت نیرومند که تجربه و کفایت لازم داشته باشد آنها را پیاده کرد و به سرعت می توان مشکلات و نابسامانی ها را مرتفع نمود و از پیدایش هرج و مرج جلوگیری کرد.

سؤال: تصور نمی فرمائید که اگر سلطنت مشروطه ادامه پیدا می کرد این وضع پیش نمی آمد؟

جواب: در یکی دو سال اخیر که جنبش ایران گسترش یافت، خود شاه نیز چنان به وحشت افتاد که ظاهراً حاضر شد که اداره مملکت را به مجرای قانونی بیندازد و خود تنها به جنبه تشریفاتی پردازد و منظورش را به مردم اعلام کرد ولی به قدری دیر شده بود که مردم به هیچ وجه به تصمیم اخیر اواطمینان نکردند زیرا مردم از گذشت سالهای اختناق و استبداد و خودکامگی و فساد تجربه کافی اندوخته بودند و دیگر راضی به ادامه رژیم سلطنتی و حتی مشروط و تشریفات آن نیز نشدند. در طول سالهای فشار و اختناق کراراً به ستمها و بی عدالتیها و فسادهای گوناگون حکومت اعتراض کردیم اما گوش شنوا نبود تا بالاخره رژیم سلطنتی با اعمال نادرست و فساد خود خاندان سلطنتی در برابر قهر و خشم ملت به سرعت سقوط کرد. وقتی که شاه در این اواخر اعلام کرد که دیگر در کارها دخالت نخواهد کرد و جنبه تشریفاتی خواهد داشت در همان حال نیز فرمانده کل قوا بود و این خود یک خطر بزرگ بود که هر آن با آرام شدن نسبی اوضاع امکان داشت از قدرت خود علیه ملت استفاده کند. به هر صورت رژیم مشروطه به گونه ای نبود که مردم به آن رضایت دهند تا باقی بماند و این اوضاع که شما اشاره می کنید پیش نیاید.

سؤال: به نظر شما اگر هرج و مرج ادامه پیدا کند فکر نمی کنید رژیم سلطنتی این بار با وضع خطرناک تری باز گردد؟

جواب: اینکه هرج و مرج نتایج خوبی ندارد در آن شکی نیست ولی کمترین احتمال بازگشت به نظام شاهی هم وجود ندارد. البته سقوط نظام طاغوت چنان به سرعت صورت گرفت که مردم آمادگی کافی را برای مقابله با این وضع پس از انقلاب را نداشتند و مسلماً در هر انقلاب عده ای مغرض و نفهم هم وجود دارد که منافع خود را در هرج و مرج

می‌دانند و اگر مردم پیوستگی و انتظام خود را حفظ کنند و برای آزادی خود حد و مرزی قائل شوند، اوضاع آرام خواهد شد ولی چنانچه در داخل مملکت بجای یک دولت چند دولت و قدرت بخواهند هر کدام قدرت‌نمائی کنند و مردم نیز به خود حق‌بدهند که در هر کاری دخالت نمایند و افراد غیر مسئول به دخالت‌های بیجا ادامه دهند و بالاخره مردم هیچ حد و مرزی برای اعمال و حرکات خود قائل نشوند و این همه نابسامانیها را تدارک نمایند، بیم آن می‌رود که خدای ناکرده اوضاع و احوال بد و خطرناکی در پیش داشته باشیم.

سؤال: انتظار می‌رود که با تشکیل مجلس مؤسسان مشکلات ایران حل شود. آیا جنابعالی از شکل فعلی مجلس مؤسسان که در شرف تأسیس است رضایت دارید؟

جواب: ما در اول گفتیم که چون قانون اساسی کشور یک سند رسمی است که خط سیر مملکت را در آینده تعیین می‌کند لذا باید در اعتبار بخشیدن بدان بسیار دقت شود بالخصوص برای خارج زیرا اگر در آینده اختلافاتی با پاره‌ای از دول پیش آمد قانون اساسی با اعتبار و قانونیت قاطع خود در حل اختلافات مؤثر خواهد بود لذا نظر دادیم که تشکیل مجلس مؤسسان که یک ضابطه جهانی است ضرورت دارد تا دنیا هم قانون اساسی ما را قبول کند. اما بعد صحبت مجلس خبرگان شد و موضوع رفراندم که از این طریق به قانون اساسی رسمیت داده شود. گفتیم که دعوای اسم نیست. اگر مجلس خبرگان همان ضوابط و شرایط مجلس مؤسسان را داشته باشد دعوائی نداریم لذا توافق شد که اولاً افراد مجلس خبرگان انتخابی باشند نه انتصابی و ثانیاً بجای ۴۵ نفر ۷۵ نفر انتخاب شوند یعنی در مقابل هر پانصد هزار نفر یک نفر و ثالثاً مجلس خبرگان به تنهایی باید بتواند به قانون اساسی قطعیت و قانونیت بدهد و رابعاً رفراندم به معنای قانون اساسی نباشد بلکه جنبه تأکید را داشته باشد در صورتیکه رفراندم به هیچ وجه ضرورتی هم ندارد زیرا اکثریت مردم کسانی نیستند که بتوانند در قانون اساسی اظهار نظر کنند و رأی بدهند چون قانون اساسی مجموعه‌ای از قوانین و مواد حقوقی، اسلامی و تخصصی است که تنها در صلاحیت متخصصین فن است همانطوریکه در طب و مهندسی نمی‌توان به آراء عموم مراجعه کرد، قانون اساسی هم همینطور است لذا با شرحی که داده شد موافقت شد که مجلس خبرگان تشکیل شود. اما اینکه مشکلات و تشنجات مملکت با تصویب قانون

اساسی حل خواهد شد، چنین نیست. تازه اگر رئیس جمهور و مجلس هم وجود داشته باشد معلوم نیست این عوامل هرج و مرج را مرتفع سازند. باید برای رفع تشنجات و هرج و مرج به علل دیگری که وجود دارد پرداخت و به نظر ما یکی از عوامل بروز هرج و مرج، وجود قدرتهای متعدد و مستقل در چندجاست و تا چنین است هرج و مرج هم خواهد بود. بهترین نمونه همین آقای مهندس مقدم مراغه‌ای است که اکنون در مجلس ما حاضر است. ایشان هم از طرف دولت و هم با تأیید ما استاندار آذربایجان شرقی شد. در طی چند ماه که در آذربایجان خدمت می‌کرد، طوری با وی رفتار شد که ناگزیر به استعفاگردید و در برابر قدرتهای متعدد و دخالت‌های افراد غیر مسئول قرار گرفت و چون امکاناتی هم برای حل مشکلات نداشت کنار رفت.

سؤال: حضرت آیت‌الله تصور نمی‌فرمایند که باید همه گروه‌ها حتی گروه‌های چپ و کمونیست در مجلس خبرگان نماینده داشته باشند؟

جواب: در انتخابات مجلس خبرگان صحبت گروه یا گروه‌ها نیست. اینجا صحبت افراد است که از میان پانصد هزار نفر در یک منطقه یک نفر نماینده تعیین می‌شود و ثانیاً انتخاب بر حسب جغرافیای انسانی است یعنی جمعیت در همان منطقه و ایالت و محل وجود داشته باشد نه اینکه پراکنده باشد. ثالثاً اگر مسئله گروه‌ها مطرح باشد الان گروه‌های مختلفی در ایران تشکیل شده‌اند که شاید بعضی از آنها به صد نفر هم نرسد. اگر بنا باشد موضوع، گروهی باشد آنوقت باید از گروه صد نفری نیز یک نفر نماینده بپذیریم و این کار درستی نیست.

سؤال: مجلس مؤسسان نماینده همه جناح‌هاست. چه تضمینی وجود دارد که جناح‌ها برای کاندیداهای مجلس و نقطه نظرهای خود در باره قانون اساسی از رادیو و تلویزیون آزادانه استفاده کنند؟

جواب: همانطور که گفتیم از هر پانصد هزار نفر، یک نفر انتخاب می‌شود و اگر نماینده‌ای نتوانست احیاناً در بیرون نظرش را بگوید در مجلس آزاد خواهد بود آنچه را که بنظرش می‌رسد بگوید و جواب بشنود. بالاخره در آنجا آزادند که حرف‌های خودشان را بزنند.

سؤال: صحبت اینست که اگر آنها بخواهند از وسائل ارتباط جمعی برای بیان نظریات خود در مورد قانون اساسی استفاده کنند و این امکان در اختیارشان گذاشته نشود چه کنند؟

جواب: حالا اگر کسی نظریاتش را در رادیو تلویزیون گفت چه فایده‌ای دارد چون این نظریات باید در مجلس گفته شود و در آنجا بررسی شود و بالاخره آنها باید نظر بدهند و انگهی نه تنها نمایندگان مردم بلکه همه جناحها و گروهها و هر صاحب نظر و هر شخصی که چیزی در باره قانون اساسی می‌داند و می‌خواهد بگوید، ساختمان سابق مجلس سنا را برای این کار تعیین کرده‌اند تا عموم مردم آراء و افکار خودشان را در بررسی پیش نویس قانون اساسی به آنجا بفرستند و مسلماً در آنجا بررسی خواهد شد. گذشته از این مطالب اگر در جائی مثلاً رادیو و تلویزیون تبعیض می‌شود، این تبعیض محکوم است و افراد باید بروند و منطقی و مستدل حقشان را بگیرند.

سؤال: طبق اطلاع دیروز کاندیدهای مجلس خبرگان، حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان در آذربایجان اعلام گردیده. آیا آنها مورد تأیید آیت‌الله می‌باشند؟

جواب: بله. با ما در باره آنها قبلاً مشورت کرده‌اند و مورد تأییدند.

سؤال: آیا افراد دیگری هم اعلام خواهند شد؟

جواب: نفر ششم آذربایجان شرقی تعیین شده و افراد آذربایجان غربی نیز معین هستند بزودی اعلام می‌شوند. البته در مورد سایر استانها نیز با نظر علما و آگاهان بلاد، اشخاصی که مورد اطمینان هستند کاندید می‌شوند.

سؤال: پیش نویس قانون اساسی آیا بنظرتان رسیده است و آیا حضرت آیت‌الله ایرادی در آن نمی‌بینند؟

جواب: پیش نویس قبلی با پیش نویس فعلی تفاوت دارد. در پیش نویسی که ما مطالعه کردیم، ملاحظات متعددی داشتیم که در حاشیه هر کدام از مواد نوشتیم. یکی از ملاحظات این بود که در پیش نویس نخست وزیر مسئول تمام کارهای مملکتی است و از آن طرف

یکی از امتیازات رئیس جمهوری فرماندهی کل قواست در حالیکه او مقام غیر مسئول می باشد. از مقابله این دو مقام معلوم می شود که نخست وزیر قدرت ندارد یعنی آنکه مسئول است قدرت ندارد و آنکه قدرت دارد مسئول نیست. لذا در حاشیه ماده قانونی نوشتیم نباید فرماندهی کل قوا به شخصی که مسئول نیست داده شود. موضوع دیگر مسئله نگاهبانان قانون اساسی هستند که در پیش نویس آمده است که مجموعاً یازده نفرند. پنج نفر را مراجع تقلید از مجتهدین تعیین می کنند و شش نفر هم از حقوقدانان خواهند بود. در اینجا هم اولاً ایراد اینست که اگر اکثریت با حقوقدانان شد چه می شود؟ و ثانیاً از نظر رسیدگی به قوانین اسلام، ضمیمه کردن حقوقدانها لازم نیست بلکه ضرر دارد زیرا آنها در احکام اسلامی تخصص ندارند. بهر حال نظرات دیگری هم داشتیم که اعلام نمودیم.

سؤال: به نظر حضرت آیت الله آیا روحانیت باید مستقیماً در کارها و در امور سیاسی کشور دخالت کند و یا تنها به ارشاد و راهنمایی بپردازد؟

جواب: روحانیت از لحاظی به دو دسته تقسیم می شود: یکی مراجع هستند و یکی پائین تر از مراجع. به نظر ما اگر مراجع تقلید تنها در مقام ارشاد و تقلید باقی بمانند و هر کجا که لازم باشد مداخله کند بهتر است. مثلاً یکی از موارد دخالت مرجع موقعی است که در مملکت حکومت و دولتی نباشد لذا مرجع دخالت می کند و افرادی را بعنوان دولت جهت اداره امور تعیین می کند اما طبقه پائین تر از مراجع مانند سایر آحاد مردمند نه مانع دارد نه شرط است. شرکت آنان در امور مملکت مانند سایر مردم است که اگر واجد شرایط لازم بودند از وجود آنها می توان استفاده کرد. ولی شرط نیست که حتماً باید این طبقه مصادر امور مملکتی باشند. در قانون اساسی گذشته مقام دادستانی کل کشور که می تواند حتی وزرا را هم محاکمه کند، انتخاب او با اجازه و صلاح دید مرجع تقلید بود. لذا مرجع تقلید اگر ببیند از دولتمردان و رجال مملکتی کسی خلاف کرد می تواند باز خواست کند.

سؤال: در قانون اساسی مذهب کشور شیعه قید شده است. تصور نمی کنید که این قید اختلاف ایجاد می کند؟

جواب: در قانون اساسی قبلی هم همینطور بود و این قید بخاطر اکثریت مردم شیعه است. اولاً در تمام ممالک اسلامی موسوم است که اکثریت مردم به هر مذهب بودند در قانون اساسی آن کشور مذهب رسمی، همان مذهب قید شود. در حالیکه آنان شافعی، حنبلی، مالکی هستند اما از نظر قید مذهب یکی که در اکثریت است قید می شود البته بقیه هم در اعمال مذهبی خود آزادند. در ایران هم این مطلب سابقه تاریخی دارد و مدتهاست که اکثریت مردم ایران شیعه اثناعشری بوده و هستند. ثانیاً جنبش اخیر ایران را معیار بگیریم باز همین اکثریت شیعه در صدر انقلاب و انقلابیون قرار داشتند گرچه گروه‌های دیگر هم بعداً شرکت کردند ولی متن مبارزه با مراجع شیعه و گروه اکثریت بود و هیچگاه نمی توان این اکثریت را راضی کرد که بیایند شما از این حقی که قبلاً داشته‌اید صرف نظر کنید و تازه اختلافی که شما از آن صحبت می کنید که ممکن است پیش آید چرا نمی گوئید که اگر بخاطر اقلیت ملاحظه‌ای شد، آنها که در اکثریت هستند بیشتر اختلاف خواهند کرد و تازه از همه اینها گذشته این وظیفه مجلس مؤسسان یا خبرگان است که در این خصوص تصمیم نهائی بگیرد.

سؤال: مسئله خودمختاری ایالات ایران مسئله ایست که حتی بیشتر از قانون اساسی برای مردم دنیا اهمیت دارد یعنی خودمختاری دادن یا ندادن را بیشتر اهمیت می دهند تا مسائل دیگر ایران. خواستم در این خصوص نظر آیت الله را بدانم.

جواب: اولاً این یک مسئله ایست که مجلس باید در باره آن تصمیم بگیرد. در گذشته قانونی داشتیم بنام قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی که البته بخوبی اجرا نمی گردید. همان قانون باید در قانون اساسی جدید هم پیش بینی شود و این یکی از کمبودهای دیگر قانون اساسی موجود است. قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی طوریکه که اگر عمل شود تا اندازه زیادی خواسته‌های ایالات را در زمینه خودمختاری برآورده خواهد ساخت. ما در این خصوص کراراً نظر داده‌ایم که اصولاً در اوضاع و احوال کنونی عنوان کردن خودمختاری نه تنها صحیح نبوده بلکه به صلاح هیچکس نیست. ما معتقدیم که امروز همه باید به سرنوشت کلی مملکت و به تمامیت ارضی آن بیندیشد زیرا مملکتی نباشد خودمختاری چه مفهومی دارد. البته بعدها فرصت باقیست تا در مجلس روی مسئله خودمختاری صحبت شود و هر طور که صلاح بود تصمیم گرفته شود متنها با یک شرط و آن شرط ایرانی بودن

مردم و ایالات است. البته خودمختاری یک بدی هم که دارد اینست که جنبه سرایتی دارد. به یک استان که خودمختاری داده شد، سایر استانها نیز متوقع خواهند بود و در شرایط موجود اگر این موضوع لازم هم باشد، ما صلاح نمی‌دانیم زیرا خودمختاری امروز قدمی بسوی تجزیه است.

سؤال: آیا مفهوم خودمختاری در قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی همان مفهومیست که افراد دنبالش هستند؟

جواب: نه. همان نیست ولی حدودیست که تا اندازه زیادی نظرشان را تأمین می‌کند و ما احتمال می‌دهیم اگر در آینده قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی بخوبی پیاده شود، مردم دیگر در خودمختاری مورد نظرشان اصرار ننمایند.

سؤال: در این قانون آیا منظور بیشتر کردستان است یا سایر استانها مانند خوزستان مورد نظرمی‌باشد؟

جواب: بله. قانون انجمن ایالتی و ولایتی شامل همه استانهاست. قبلاً همه باید به مرکز مراجعه می‌کردند و کارهای هر استان را در تهران حل می‌کردند و وقتی که این قانون درست شد اختیارات را به محل می‌داد تا مشکلات عمده خود را در ایالت خود حل کند ولی همانطوریکه قبلاً اشاره کردیم این قانون بدرستی عمل نمی‌شد.

سؤال: تصور می‌فرمائید که اگر اختلافات در مسئله خودمختاری حل نشود ارتش قدرت آن را دارد که آرام کند؟

جواب: اگر خواسته‌های مردم در حدود خودمختاری باشد ارتش نباید دخالت کند اما اگر صحبت تجزیه در میان باشد ارتش که سهل است عموم مردم ایران مخالفت خواهند کرد.

سؤال: با گروههای مسلح چه باید کرد؟ آیا وجود آنها موجب تضعیف ارتش نیست؟

جواب: به دولت پیشنهاد کردیم بسیاری از افراد مسلح را که واجد شرایط باشند استخدام کند و در اختیار ارتش و نیروهای انتظامی و ژاندارمری قرار دهد تا هم قدرتی در مقابل دولت نباشد و هم ارتش و قوای انتظامی تقویت شود. اما دولت در این امر مسامحه می‌کند.

سؤال: نظرتان راجع به دادگاههای انقلاب چیست؟

جواب: هیچ مداخله‌ای در این دادگاهها ندارم و همانگونه که چندین بار گفته‌ام از کم و کیف آنها نیز بی‌اطلاعم؟

سؤال: تصور می‌کنید که اعدام زنان بدکاره مطابق با قوانین اسلام است؟

جواب: البته در اسلام و در قوانین جزائی آن مجازات اعمال خلاف شرع تعیین شده است ولی از نحوه محاکمات و ثبوت جرائم افرادی که سؤال می‌کنید خبری نداریم و اطلاع ما در سطح همان روزنامه‌هاست. در روزنامه‌ها نوشته شده است که جرم این زنها تنها بدکارگی خودشان نبوده بلکه اغواء دختران و کشاندن آنها به فحشا و فساد از طریق دایر کردن عشرتکده و غیره بوده است. بالاخره آنطور که می‌نویسند مسئله آنها تنها مسئله زنا نیست.

سؤال: بنظر حضرت آیت‌الله خطر کدامیک از دو کشور آمریکا و شوروی برای ایران بیشتر است؟

جواب: از نظر عقیده‌ای البته ممالک کمونیستی در قطب مخالفند ولی بخاطر خطر خارجی بسته به این است که کدامیک برای ما نقشه نامطلوب بکشند. بهر حال هر یک از دو کشور مورد اشاره اگر افکار سوئی نسبت به ایران داشته باشند خطرناک هستند و ملت ایران نیز عکس‌العمل نشان خواهند داد ولی امیدواریم چنین نباشد. ظاهراً می‌گویند ما کاری نمی‌کنیم. در مورد پیاده کردن نیرو در خلیج فارس از ناحیه آمریکا تصور نمی‌کنیم آمریکا این کار را بکند زیرا او باید عاقلتر از آن باشد که به چنین کاری دست بزند.

سؤال: آیا تصور نمی‌کنید که مردمی که در افغانستان برای کسب آزادی می‌جنگند، ایران باید آنها را کمک کند؟

جواب: اولاً حرکت خصمانه‌ای که حکومت افغانستان نسبت به ملت مظلوم و بی‌دفاع مسلمان آن‌کشور در پیش گرفته کاملاً محکوم است و ما طی چند اعلامیه و مصاحبه از مردم مسلمان افغان دفاع نموده و افعال خشونت بار و ضد مردمی را محکوم ساخته‌ایم. حتی چندی پیش به خبرگزاری تاس و روزنامه‌های ایزوستیا و پراودا که نزد ما آمده بودند گفتیم که شوروی حکومت افغانستان را از مظالمی که می‌کند بر حذر و مانع شود و بگذارند که ملت آزادیخواه و مسلمان افغانستان بر اساس آرمانهای اسلامی خود زندگی کند. ما هم اکنون توسط شما مخبر روزنامه لوموند از دولت آزادمنش فرانسه هم می‌خواهیم که آنان نیز سیاست خصمانه حکومت افغانستان را محکوم کنند. بالاخره ظلم، ظلم است و هر کجا که باشد بد و محکوم است و این انتظار از همه کشورهای آزادیخواه وجود دارد مخصوصاً از فرانسه که در طلیعه کشورهای آزادیخواه است، خوبست که هیئتی را به افغانستان بفرستد و وضع ملت مظلوم و تحت ستم افغانستان را بررسی کنند و از وضع زندانها که از مسلمانان پر شده گزارشی تهیه کنند و از مناطق بمباران شده دیدن نمایند و از تلفات مسلمانها آماری بدست آورند و با انعکاس آنها در جهان، قضاوت عامه جهانیان را در مقابل افغانستان جلب کنند. البته همه اینها بنمودن نصیحت و احساس وظیفه انسانی و اسلامی ماست و این به معنای دخالت در امور داخلی یک کشور نیست و ایران نیز تاکنون دخالتی در امور داخلی افغانستان نکرده است.

سؤال: نظرتان راجع به کشورهای عربی و اسلامی و فلسطین چیست؟

جواب: در خصوص فلسطین باید بگوئیم که مردمی را بی‌جهت از زادگاهشان بیرون کرده‌اند و عجیب است که اکثر دولتها و ملتها و سازمانهای بین‌المللی و حقوق بشر همه و همه اسرائیل را محکوم و غاصب دانسته و رأی به عقب‌نشینی او داده‌اند اما او با کمال پروئی ملتی را آواره نموده و به هیچوجه گوش شنوا ندارد. ما معتقدیم قدرتهائی که در این مورد حسن نظر می‌دهند و از ملت فلسطین دفاع می‌کند باید از مرحله حرف به مرحله عمل در آیند و اسرائیل را وادار کنند که سرزمین اشغال شده فلسطین را ترک کند و اما در مورد کشورهای عربی و اسلامی طی پیشنهادی که اخیراً از طریق خبرگزاری فرانسه اعلام داشتیم ما معتقدیم که اگر جهان اسلام بخواهد بسیاری از مشکلات حال و آینده خود را حل کند و دست استعمار و استثمار را در داخل کشورهای خود قطع کند باید به

یک حکومت فدرال رو آورد. البته به گونه‌ای فدراتیو شوند که سیاست داخلی خودشان را مستقل نگه‌دارند اما در سیاست خارجی از یک روش و سیاست واحد پیروی کنند. در اینصورت تمامی کشورهای عربی و اسلامی بصورت یک ابرقدرت در خواهند آمد البته این شکل در دنیا سابقه داردمانند ایالات متحد آمریکا، آلمان فدرال و شوروی. اگر چنین قدمی در راه اتحاد و یکپارچگی جهان اسلام برداشته شود، زمینه برای فدرال کردن همه کشورهای جهان فراهم خواهد شد و صلح و آرامش و عمران و آبادی و برچیده شدن بودجه‌های سنگین نظامی و سایر مخارج هنگفت و جلوگیری از سرمایه‌گذاریهای بیهوده و اتلاف وقتها و نیروها همه با فدرال کردن تأمین خواهد شد.

۱۵- حمله به خانه شریعتمداری

بالاخره صبر خمینی در احترام به مراجع لبریز شد و با حمله مستقیم به خانه شریعتمداری نشان داد که به هیچوجه حاضر نیست قدرت مطلقه‌اش را تقسیم شده ببیند. قبل از این نیز در روزهای انقلاب عده‌ای کماندو به خانه شریعتمداری حمله کرده بودند که در موقع خود سر و صدای زیادی کرد و بعد از انقلاب نیز شانزدهم فروردین ماه سال ۵۸، گروه ضربت کمیته امام اعلام کرده بود که افسری را که در حمله کماندوها به خانه آیت‌الله العظمی شریعتمداری شرکت داشته، بازداشت کرده است اما حمله آذرماه ۵۸ به خانه آیت‌الله از نوع دیگری بود و نشان می‌داد که رژیم تصمیم گرفته با زور صدای آیت‌الله را خاموش سازد. حمله به خانه شریعتمداری نقطه عطف دیگری در سرنوشت جنبش طرفداران آیت‌الله در آذربایجان بود. این حرکت جنبش را بیش از پیش به حرکت مستقل و مستقیم‌واداشت و در یک کلام جنبش را به اوج خود رساند و در عین حال این حمله آغاز سرکوب‌خشن و مسلحانه جنبش نیز می‌باشد زیرا از آن لحظه به بعد طرفداران خمینی و سپاه پاسداران با استفاده از همه امکانات دولتی و نظامی که در اختیار داشتند به قلع و قمع بیرحمانه جنبش می‌پردازند. برای اینکه از جزئیات و پیامدهای آن اطلاع دقیق داشته باشیم، ضروریست که در اینجا به شرح واقعه از زبان ناظران حمله پردازیم و نیز نمونه‌های پیامهای پشتیبانی و

تسلیت به خاطر مرگ پاسدار خانه آیت‌الله از جمله پیام دو پهلوی خمینی را مرور بکنیم و ضمن یادآوری حرفهای آیت‌الله در مصاحبه مطبوعاتی به ابعاد حمایت توده‌ای عظیم و بی‌سابقه از آیت‌الله اشاره بکنیم.

اسدالله انصاری خدمتگزار مخصوص آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری در باره چگونگی واقعه‌ای که در منزل آیت‌الله روی داد گفت: شب حادثه آقای لاهوتی و دکتر یزدی مهمان آقا بودند. داشتم به مهمانها چای می‌دادم که صدای رگبار از خیابان شنیدم. با سابقه‌ای که از حملات بعضی گروه‌ها داشتیم بسیار بیمناک شدیم. ناگهان هزاران نفر با شعارهایی دایر بر اهانت و جسارت بر وجود حضرت آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری به داخل کوچه شریعتمداری ریختند. پاسداران آقا با وجود تعداد اندک شان با از خود گذشتگی جلوی هجوم را گرفتند. تظاهرکنندگان این بار از کوچه باریک دیگری که به خانه آقا منتقل می‌شود و کوچه آقازاده نام دارد هجوم آوردند. بهر ترتیبی بود پاسداران آنها را از کوچه هم عقب راندند، در همین حین پاسداری که در بالای بام اتاق حضرت آیت‌الله پاسداری می‌داد به ضرب گلوله از پا در آمد.

هجوم دسته جمعی

سلیمان صمدی پاسدار منزل حضرت آیت‌الله شریعتمداری واقعه را چنین شرح می‌دهد: ساعت ۹ چهارشنبه شب در حدود سه هزار نفر تظاهر کننده از حرم حضرت معصومه (ع) به طرف خیابان ارم آمدند. آنها با صدای بلند شعار می‌دادند «هر کس که رأی نداده حق نظر نداره» و می‌گفتند: «حزب فقط حزب‌الله». این عده بار اول از کوچه‌ای که منزل آقا در آن واقع است گذشته و تا چهار راه فاطمی رفتند و برگشتند. در بازگشت سعی کردند به کوچه شریعتمداری هجوم بیاورند. ما دو پاسدار منزل آقا، سرکوچه رفتیم تا مانع هجوم آنها بشویم. چند نفر از افراد سپاه پاسداران در جلوی جمعیت بودند، من سه مرتبه ایست دادم. پاسداران دستهایشان را بلند کرده و گفتند ما پاسداریم. من گفتم ما از مرجع تقلید تبعیت می‌کنیم و نمی‌خواهیم برادرکشی شود. برگشتند و از کوچه دیگر حمله

آوردند. بهر صورتی بود آن حمله را هم کنترل کردیم. در این گیرودار پاسداری که در بالای بام اتاق آقا پاس می داد تیرخورد و ما نفهمیدیم که تیر از کدام سو شلیک شد.

پیکر پاک علی رضایی پاسدار شهید تشییع شد

پاسدار شهیدم راهت ادامه دارد

ظهر روز جمعه پیکر پاک علی رضایی پاسدار شهید منزل آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری که چهارشنبه شب گذشته طی یک تظاهرات ناجوانمردانه و برنامه‌ریزی شده، حین دفاع از خانه مرجع تقلیدش حضرت آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری به شهادت رسید، در میان خشم و اندوه ده‌ها هزار نفر از منزل آیت‌الله شریعتمداری تشییع و پس از طواف در صحن و حرم مطهر حضرت معصومه(ع) و برگزاری نماز میّت در قبرستان نو به خاک سپرده شد. آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری، مهدی بازرگان، سید احمد خمینی، هاشمی رفسنجانی و یدالله سبحانی که مذاکرات سرنوشت‌ساز آذربایجان را پیگیری می‌کردند به سبب ازدحام بیش از حد جمعیت نتوانستند در مراسم تشییع جنازه شرکت کنند.

از سوی حضرت آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری، آیت‌الله حاج سید حمید ملکی نماز مخصوص میّت را در صحن مطهر حرم حضرت معصومه(ع) برگزار کرد. ده‌ها هزار تشییع کننده که گروه بسیاری از آنها از تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان و تهران برای شرکت در مراسم تشییع جنازه پاسدار شهید و عرض تسلیت و ارادت به حضور آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری به قم آمده بودند با فریادهای خودیک صدا به حادثه خانه آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری اعتراض کردند.

تشییع کنندگان در مسیر چند کیلومتری تشییع توطئه‌های امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا رامحکوم کرده و فریاد مرگ بر ارتجاع برآوردند. جمعیت همچنین با دادن شعارهایی ضمن اعتراض به قانون اساسی خواستار اصلاحاتی در آن شدند. تشییع کنندگان

یکدل و یکزبان پیمان بستند که راه و شیوه پاسدار شهید علی رضایی را در حفظ و حراست حرمت و حیثیت مرجع تقلیدشان تا مرز شهادت دنبال کنند.

علی رضایی پاسدار منزل آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری به هنگام شهادت ۲۸ سال داشت و از او همسر و سه کودک ۵ ساله، ۲ ساله و ۲ ماهه یادگار مانده است. علی رضایی اهل تبریز بود و خانواده خود را از طریق قالیبافی اداره می‌کرد و مواقع استراحت خود را وقف محافظت از خانه مرجع تقلیدش حضرت آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری کرده بود. آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری روز جمعه حاج‌قدرت رضایی پدر شهید علی رضایی را در منزلشان به حضور پذیرفت، او را مورد تفقد قرار داد و او و خانواده‌اش را دعا کرد. آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری مقرر کرد که به وضع خانواده شهید رضایی از سوی دفتر ایشان رسیدگی و معاش آنها تأمین شود.

شعارهای مراسم تشییع جنازه پاسدار شهید

شعارهای فارسی:

ما همه سرباز شریعتمدار
گوش به فرمان شریعتمدار!
یا حجت‌ابن‌الحسن دلها پریشان شده
خانه مرجع ما گلوله باران شده!
به گفته مراجع این قانون اساسی اصلاح باید گردد
شورای مرجعیت ایجاد باید گردد!
رضایی شهیدم راهت ادامه دارد!
نصر من الله و فتح قریب
مرگ بر آمریکای مردم فریب!
مرگ بر آمریکا- مرگ بر کارتر- مرگ بر شاه!

شعارهای ترکی:

آیت‌الله هه بو ناچیز جانی قوربان ائیلروخ
گر اونا توهین اولاً، دونیانی ویران ائیلروخ!
ترجمه:

این جان ناقابل را به آیت‌الله قربان می‌کنیم اگر به ایشان توهین شود، دنیا را ویران می‌کنیم!

گوزومون نوری شریعتمدار دردلره درمان‌دی شریعتمدار!

ترجمه:

شریعتمدار نور دیده‌ ماست و شریعتمداری درمان دردهای ماست!

نه شرقی یوخ نه غربی یوخ بیز بلکه ایران خلقی یوخ!

ترجمه:

نه شرقی هستیم نه غربی هستیم بلکه ما خلق ایران هستیم!

بیز قویماروخ حکم خدا، قانون دین اولسون عوض، مرجع دین امر ایلیپ!

ترجمه:

ما اجازه نمی‌دهیم که حکم خدا و قانون دین عوض شود، مرجع دین (در این باره) حکم

داده است!

شعارها و پیامهای مراسم تشییع جنازه شهید رضایی را کاظم سراج انصاری مسئول روابط

عمومی حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان در استان خراسان عهده‌دار بود.

اطلاعیه آیت‌الله‌العظمی خمینی در مورد حوادث قم

آیت‌الله‌العظمی خمینی در رابطه با حمله به منزل آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری پیامی به

ملت ایران فرستاد. پیام به این شرح است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

ملت شریف و مبارز ایران ایدهم‌الله‌تعالی. در این موقع حساس که کشور عزیز و اسلام

بزرگ روبرو با آمریکای خونخوار است و لازم است همه قشرها با هم هماهنگ و همصدا

در مقابل دشمن بزرگ‌بایستند و فرصت بدست عمال اجانب و ریشه‌های گنبدیده طرفداران رژیم سابق ندهند. مع‌الاسف گاهی شنیده می‌شود که اشخاص بی‌خبر از عمق مسائل تحت تأثیر بدخواهان، غائله به پا می‌کنند و خدای نخواستہ موجب اختلاف و شکاف می‌شوند. من اکیداً از همه ملت شریف می‌خواهم که از مطالبی که باعث اختلاف و بهره‌برداری دشمن است احتراز کنید و به مراجع عظیم‌الشان و علمای اعلام احترام گذارید.

برادران بدانید فاجعه‌ای که در منزل حضرت آیت‌الله شریعتمداری پیش آمد بدست توطئه‌گران است که باید محکوم شود و توجه داشته باشند که این نحو امور را توطئه‌گران تکرار نکنند. من از همه قشرهای جوان دانشگاهی و مدارس علوم دینی و روشنفکران و دانشمندان و نویسندگان عاجزانه استدعا می‌کنم در این وقت حساس از هرگونه اختلاف دست برداشته و دشمن بزرگ را هدف قراردهند. من امروز این امر را تکلیف شرعی الهی و وظیفه ملی می‌دانم. از خداوند تعالی وحدت کلمه ملت و عظمت اسلام و مراجع عالیقدر و پیروزی ملت مسلمان را خواستارم.

ح‌الله الموسوی الخمین

۱۶ محرم الحرام ۱۴۰۰ ۱۵ آذر ماه ۱۳۵۸

چه شد که خمینی دستور حمله به خانه شریعتمداری را صادر کرد و سپس این عمل را کار ضد انقلاب نامید و به اصطلاح با شریعتمداری همدردی نمود؟

از موقعی که شریعتمداری با تشکیل مجلس خبرگان بجای مجلس مؤسسان مخالفت کرد چند تن از آیات عظام از جمله نجفی و گلپایگانی سعی کردند میان شریعتمداری و خمینی آتشی ایجاد بکنند. جلساتی با شرکت شریعتمداری، نجفی مرعشی، گلپایگانی و در مواردی نیز با حضور خمینی در منزل شریعتمداری تشکیل می‌شد. ابتکار تشکیل این جلسات با آیت‌الله گلپایگانی بود و هدف از آن نیز این بود که شریعتمداری را قانع بکنند که با اصل ۱۱۰ قانون اساسی که مربوط به اختیارات ولی فقیه است مخالفت نکند اما چون به این کار

موفق نشدند لذا خمینی در آخرین دیدار شریعتمداری را تهدید می‌کند و بنا به اظهارات آقای حسن شریعتمداری، خمینی می‌گوید که شورای انقلاب بمباران آذربایجان را تصویب کرده است و اگر ناآرامی‌ها ادامه یابند شهر تبریز بمباران خواهد شد.

این تهدید در عمل کارگر واقع شد و وقتی که خمینی مطمئن شد که شریعتمداری حکم مقاومت نخواهد داد حمله را از خانه شریعتمداری در قم شروع کرد و با خلع سلاح کمیته‌های طرفدار شریعتمداری در تبریز و اعدام سردسته‌های نیروهای طرفدار شریعتمداری ادامه داد بدون اینکه با مقاومت جدی روبرو شود. قبل از آن نیز خمینی موفق شده بود با خریدن بخش بزرگی از روحانیون طرفدار شریعتمداری شکاف در صفوف جنبش ایجاد بکند و مهمتر از آن، شرایطی بوجود آورده بود که کلیه احزاب و سازمانهای سیاسی سراسری رودرروی طرفداران شریعتمداری قرار گرفته بودند.

اطلاعیة آیت‌الله‌العظمی خوئی

قم - ایران

حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین آیت‌الله آقای حاج سید محمد کاظم شریعتمداری دامت برکاته جسارت و هتک از مقام منیع سرکار از قبل عناصر مرموز موجب تأثر عمیق اینجانب گردید و هتک از مقام شامخ روحانیت اسلام تلقی می‌شود. از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌نمایم ملت عزیز و روحانیت را از گرفتاریها نجات بخشد.

نجف - خوئی

۱۸ محرم الحرام ۱۴۰۰

اطلاعیة آیت‌الله‌العظمی شیرازی

حضرت مستطاب آیت‌الله آقای سید محمد کاظم شریعتمداری دامت برکاته. با ابلاغ سلام و تحیات حادثه اسفناک و رویدادهای اخیر قم که منجر به جسارت به بیت حضرتعالی گشت، موجب تأثر شدید گردید هیچ شکی نیست که اینگونه امور توطئه‌هایست که بدست دشمنان و ضداسلام انقلاب اسلامی ایران صورت می‌گیرد تا بتوانند صفوف فشرده ملت مسلمان و مبارز ایران و وحدت صف روحانیت را بهم بزنند. اینجانب ضمن محکوم نمودن این توطئه و هتک به بیت محترم از عموم اقشار ملت عزیز ایران می‌خواهم که در هیچ شرایطی تحت تأثیر تبلیغات سوء نرفته و فرصت ندهند عوامل بیگانه در میان آنان نفوذ نموده و وضع را برای بهره برداری دشمن آماده نمایند و بهم بستگی و هماهنگی خود ادامه دهند. از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم بر شوکت و عظمت اسلام بیفزاید و در ظلّ عنایات خاصه حضرت ولی عصر ارواحنا فداء کلیه مشکلات اصلاح و نگرانی‌ها را برطرف نماید. لسلام علیکم و رحمت‌الل.

مشهد مقدس ۱۶ محرم الحرام ۱۴۰۰

سید عبدالله شیرازی

اطلاعیه آیت‌الله العظمی قمی

آیت‌الله العظمی حسن طباطبائی قمی با ارسال تلگرامی خطاب به حضرت آیت‌الله العظمی شریعتمداری از واقعه منزل ایشان ابراز تأسف کرد. متن تلگرام به قرار زیر است: حضور مبارک حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید کاظم شریعتمداری دامت برکاته: حادثه اسفبار هتک به بیت محترم که با توطئه ضد انقلاب اسلامی صورت گرفته موجب کمال تأثر گردید از خداوند متعال مسئلت دارد که همه دشواریها و مفسد همه مسلمین را به عین برکات حضرت ولی عصر ارواحنا فداء اصلاح و تسهیل فرماید.

مشهد- حسن طباطبائی قمی

امیدواریم ملت ایران دیگر دچار دیکتاتوری و خفقان نشود

شیخ عزالدین حسینی رهبر مذهبی و سیاسی خلق کرد با ارسال تلگرافی به آیت‌الله شریعتمداری تأسف خود را از واقعه حمله به منزل آیت‌الله اعلام کرد. متن تلگراف به قرار زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت‌الله العظمی آقای شریعتمداری - دامت برکاته. با ابلاغ سلام مراتب تأثر و تأسف خود و جامعه روحانیت و خلق کرد را از واقعه حمله به منزل آن مرجع عالیقدر تشیع که در حقیقت توهین به جامعه روحانیت و نقض حریم روحانیون می‌باشد اعلام می‌داریم. امیدواریم در پرتو تعالیم عالی‌قرآن و انقلاب اسلامی ملت مسلمان ایران بار دیگر دچار سایه شوم دیکتاتوری و خفقان در هیچ شیوه و رنگی نگردد و کلیه خلقهای تحت ستم ایران به همه حقوق ملی و مذهبی خود برسند.

علیکم و رحمت‌الل

سید عزالدین حسینی ۱۶/۹/۱۳۵۸

کنفرانس مطبوعاتی آیت‌الله شریعتمداری

«قانونی که اختیارات ملت را سلب کند مورد اعتراض ما است»

آیت‌الله العظمی شریعتمداری بامداد روز جمعه پیش از شروع مذاکرات با نمایندگان شورای انقلاب، عده کثیری از خبرنگاران داخلی و خارجی را به حضور پذیرفت و به سئوالات متعدد آنها پاسخ گفت:

اختیارات بیشتر در چارچوب ایران

آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری در مورد نوع روابط خود با آیت‌الله‌العظمی خمینی گفت: «البته مسئولیت اداره مملکت با ایشان است و در مورد حادثه‌ای که در منزل ما اتفاق افتاد، ایشان هم با ما ابراز همدردی کردند و محکوم نمودند که انشاءالله با این همدردی ایشان بعد از این دیگر از این قبیل جریان‌ات اتفاق نمی‌افتد». آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری در باره اوضاع آذربایجان گفت: «در تبریز پس از شنیدن حادثه حمله به منزل ما اوضاع متشنج شده و این تشنج بالاخره منجر به اشغال رادیو تلویزیون و برخی از مراکز دولتی شده است و اینک هم مردم به اتفاق کلمه اختیارات بیشتری می‌خواهند، البته در چارچوب ایرانی بودن خواستار حقوق بیشتری هستند. الان هم شنیدیم که استاندار بیرون رفته و ارتش و نیروی هوایی و مردم آذربایجان غربی هم اعلام همبستگی کرده‌اند.»

اختیارات برای همه استانها

آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری در این مصاحبه تأکید کرد که اختیارات اداره استانها نباید فقط منحصر به آذربایجان یا چند استان دیگر باشد بلکه همه مملکت حق به دست آوردن این اختیارات را دارند.

استاندار جدید آذربایجان

آیت‌الله شریعتمداری در جواب این سؤال که آیا شما استاندار جدید آذربایجان را تعیین خواهید کرد گفت: «البته با خود آقای بازرگان و شورای انقلاب مذاکره می‌کنیم، ولی استاندار آذربایجان بعد از این باید با نظر ما تعیین شود.»

موافقت با مردم آذربایجان

آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری در این مصاحبه اعلام کرد که «با تمامی نظرات اهالی آذربایجان تا آن حدودی که در چارچوب ایرانی بودن و قانونی و معقول است و امروز هم قابل پیاده شدن باشد موافق است.»

به تبریز نمی‌رویم

حضرت آیت‌الله در باره امکان مسافرتشان به آذربایجان و تبریز گفت: «البته از ما بسیار تقاضا می‌کنند ولی در شرایط فعلی مایل نیستیم به تبریز برویم.»

اصلاح قانون اساسی

آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری در باره تصمیم گروهی از مردم آذربایجان که خواستار پس گرفتن آرای خود شده‌اند گفت: «اصلاً ما این مطلب را تعقیب می‌کنیم که برخی مواد قانون اساسی باید اصلاح شود، آراء برگردد یا نه تأثیری در قضایا ندارد.»

توجه به مردم

حضرت آیت‌الله در جواب یک خبرنگار خارجی که پرسید آیا این جریان و تظاهرات برای تسخیر قدرت سیاسی بین شما و آیت‌الله خمینی است گفت: «نه، این تظاهرات طبیعی فقط اظهار همبستگی است که از ما می‌کنند، ما با حضرت آیت‌الله خمینی کمال رفاقت را داریم ولی مسائل سیاسی هم هر کدام باید در جای خودشان مطالعه شود، مردم می‌گویند در جایی مثلاً در کردستان اگر اختیاراتی به مردم داده شده باید به آذربایجان و دیگر ولایات هم بدهند، البته انتظار ما اینست که شخص آیت‌الله‌العظمی خمینی در چارچوب قوانین، خواسته‌های مردم آذربایجان شرقی و غربی را تأیید کنند، باید تأیید کنند و تأیید هم می‌کنند.»

کلمه خودمختاری را نمی‌پسندیم

آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری در باره خودمختاری ولایات ایران گفت: «این کلمه خودمختاری را ما الان نمی‌پسندیم. اجالتاً اختیارات داخلی را برای آذربایجان می‌خواهیم. برای خودمختاری باید قانون تصویب شود و مادام که در قانون اساسی این مسئله پیش‌بینی نشود و نیاید ارزشی ندارد. فعلاً عبارات اختیارات داخلی مناسب است.»

دست‌های نابکار

خبرنگاری پرسید گفتید که بین شما و آیت‌الله‌العظمی خمینی هیچ مشکلی نیست، ولی اعلامیه شما از رادیو تلویزیون پخش نشد، این نشانه چیست؟ آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری پاسخ داد: «این اعلامیه را ما با توافق و نظر خود آیت‌الله‌العظمی خمینی قرار شد بدهیم و نمی‌دانم چه دستی بوده که چنین شده، فکر می‌کنم دستهایی در کار است و اشخاصی هستند که حسابشان از حساب آیت‌الله‌العظمی خمینی جدا است.»

حدود اختیارات مراجع

حضرت آیت‌الله درباره حدود اختیارات مراجع در قانون اساسی و اداره کشور گفت: «یکی از اشکالاتی که ما به قانون اساسی گرفته‌ایم همین ماده‌ای است که اختیارات را از ملت سلب می‌کند و ما هم به آن اعتراض داریم. در قانون اساسی باید از نظر انطباق قوانین با شرع مقدس نظر مراجع پیش‌بینی بشود که شده، اما اگر این به آن معنا باشد که از آن مجلس چنین استفاده شود که تا همه قوانین به امضاء شورای نگهبان نرسیده قانونیت ندارد، به این اعتراض داریم. پس از انطباق قوانین با شرع مقدس دیگر به مراجع ربطی ندارد.»

نگرانیهای مردم

آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری در باره تشنجات چند روز گذشته و اینکه آیا این بحران پس از ملاقات با آیت‌الله خمینی برطرف شده است یا نه گفت: «البته تا اندازه‌ای برطرف شده ولی هنوز نتوانسته‌ایم مردم را قانع کنیم که دست از تظاهرات بردارند، آنها چون با یک عمل غیرقابل انتظار روبرو شده‌اند بشدت نگران هستند و طوری نگرانند که آرام کردنشان مشکل است.»

آغاز مذاکرات

آیت‌الله شریعتمداری پس از شرکت در کنفرانس مطبوعاتی ساعت ۱۰ پیش از ظهر جمعه با هیئتی مرکب از سید احمد خمینی، مهندس بازرگان، هاشمی رفسنجانی، یدالله سبحانی و مهدوی کنی که به منزل ایشان آمده بودند وارد مذاکره شد. این هیئت پیش از ملاقات با آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری با آیت‌الله‌العظمی خمینی دیدار کرده بودند. این مذاکرات دو دور به طول انجامید. در پایان دور اول مذاکرات آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری به خبرنگاران

گفت: «با آقایان صحبت‌هایی کردیم و آقایان پذیرفتند که در حدود قوانین اداره امور استانها را در قانون در نظر بگیرند.» هاشمی رفسنجانی به خبرنگاران گفت: «از بکار بردن کلمه خودمختاری به پرهیزید که این کلمه ممکن است سوء تعبیرهای فراوانی به دنبال داشته باشد.» رفسنجانی همچنین اعلام کرد که هیچ مسئله غیر قابل حلی با آیت‌الله العظمی شریعتمداری نداریم.»

دور دوم مذاکرات

ساعت دوازده و چهل دقیقه ظهر جمعه مذاکرات آیت‌الله العظمی شریعتمداری با مهندس بازرگان، سید احمد خمینی، رفسنجانی، مهدوی کنی و سحابی به پایان رسید و آیت‌الله العظمی شریعتمداری در حالیکه از نتیجه مذاکرات خوشنود به نظر می‌رسید اعلامیه‌ای در باره مذاکرات صادر کرد. متن اعلامیه جداگانه چاپ شده است - حضرت آیت‌الله بعد از آن در گفتگویی گفت: «در محیط بسیار دوستانه‌ای با آقایان مذاکره کردیم و توافق‌هایی حاصل شد، انشاءالله مشکلات آذربایجان با اعزام هیأتی مرکب از نمایندگان شورای انقلاب و نمایندگان ما حل خواهد شد.» آیت‌الله العظمی یکبار دیگر تأکید کرد که «آذربایجان جزو لاینفک ایران است و هیچ مسئله‌ای غیر از این مطرح نیست.» حضرت آیت‌الله افزود: «اگر حسن تدبیر و عقل و دیانت این آقایان اعضای این هیأت نبود و به موقع مسایل را پیش‌بینی نمی‌کردند در آذربایجان مسایل مهم و غیر قابل پیش‌بینی اتفاق می‌افتاد و بسیار خوشوقتیم که چنین نشد.»

همه مسائل به موقع خود

آیت‌الله العظمی شریعتمداری در پایان از پاسخ به سئوالات گوناگون خبرنگاران عذرخواهی کرد و گفت: «با کمال احترامی که به آقایان روزنامه‌نگاران قائلم فعلاً صلاح نیست مسائلی غیر از مسائل روز مطرح شود اما به موقع خود تمام مسائل را خواهیم گفت.» حضرت آیت‌الله در پایان تأکید کرد که آنچه امروز طی مذاکره امیدواریم حل و رفع شود، مهمترین مسائل مربوط به ایران و حتی مربوط به منطقه و خاورمیانه بوده که انشاءالله تا پایان بخوبی حل خواهد شد.

ناهار میهمان آقا

اعضای هیأت روز جمعه پس از پایان مذاکرات نهار را با آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری صرف کردند.

دیگر ملاقات‌ها

آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری روز جمعه همچنین با حضرات آیات عظام نجفی مرعشی و روحانی بطور جداگانه ملاقات و مذاکره کرد. سفیر سوریه در ایران نیز عصر جمعه به حضور آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری رسید.

پشتیبانی مردم از نظرات آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری

طی سه روز گذشته گروه‌های کثیری از مردم به دفتر خلق مسلمان مراجعه کرده و تنفر و انزجار خود را از حادثه یورش ارتجاعیون به خانه آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری مرجع عالیقدر تشیع اعلام داشتند. گروه کثیری از آذربایجانیهای مقیم مرکز و صدها نفر از کارگران در محل حزب اجتماع کردند. فیروز یکی از نمایندگان این گروه که پنج سال و نیم در رژیم شاه در زندان شاه بوده است گفت: سرنوشت مردم ایران را آذربایجان تعیین می‌کند و سرنوشت مردم آذربایجان را حضرت آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری بدست دارد. در ۲۹ بهمن ۵۶ این تبریز بود که قیام کرد و تداوم قیام تبریز بود که بساط سلطنت پهلوی را در بهمن ۵۷ درهم پیچید. ما دیگر هیچ نوع اهانت و تعرض را به مرجع عالیقدر تشیع تحمل نمی‌کنیم. ما نمایش نمی‌دهیم و نمی‌خواهیم قدرت‌نمائی کنیم. این عده که از جلوی سفارت آمریکا حرکت کرده بودند و درحالی که شعار می‌دادند «شریعتمداری، تو رهبر جهانی»، شریعتمداری، اسلامون ایفتیخاری» وارد ساختمان حزب شدند. این عده گفتند: ما هواداران و مقلدین آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری در مبارزات ضد آمریکایی که دشمن اصلی خلق‌های مامی باشد در صف اول مبارزات قرار خواهیم گرفت و روزنامه دشمن خلق مسلمان مکرراً مواضع ضدامپریالیستی داشته و می‌توانیم یکایک مطالب آن را معرفی کنیم. این عده گفتند: ما به تمام فالانترها که روحیه مذهبی نداشته و ندارند و تنها پس از

انقلاب ۲۲ بهمن با ریش گذاشتن و تسییح به دست گرفتن خود را مسلمان معرفی می کنند
اخطار می کنیم هر گونه مزاحمت به رهبر شیعیان جهان آیت الله العظمی شریعتمداری را
تحمل نکرده و عملی با عکس العمل شدید ما مواجه خواهد شد. این عده سپس با دادن
شعارهای زیر از محل حزب خارج شدند.

آیت الله بو ناچیز جانی قوربان ایلروخ گر بیزه امر ایلیه دنیانی ویران ایلروخ
آذربایجانین قهرمانلاری چوخ گروب بله ایمتاحانلاری
جمهوری اسلامی اولدی برقرار رهبریمیز- رهبریمیز شریعتمدار
مرگ بر آمریکا دشمن خلق ما آمریکا تو خالیست، ویتنام گواهیست
حزب ما پیروز است ارتجاع نابود است
مرگ بر سه مفسدین کارتر و سادات و بگین

هوج پشתיبانی از حرکت اعتراض آمیز مردم آذربایجان

در پی تظاهرات وسیع مردم آذربایجان در اعتراض به هجوم مسلحانه به منزل
حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری موج پشתיبانی از سوی طبقات مختلف مردم
آذربایجان از منویات مرجع عالیقدر شیعیان جهان برخاسته است، طی دو روز گذشته
گروههای مختلف مردم با تلگرامهای متعدد پشתיبانی خود را از حرکت اعتراض آمیز مردم
آذربایجان اعلام کرده اند. قسمتی از عنوان تلگرامهایی که بعنوان آیت الله شریعتمداری و
رونوشت آن به حزب جمهوری خلق مسلمان شاخه تبریز رسیده به شرح زیر است:

گروهان ژاندارمری مرکز تبریز- اهالی قریه بناب مرند - کشاورزان و کارگران و دیپلمه های
شهرستان سراب - اهالی قریه امته - اهالی قریه سهندآباد - گروه مجاهدین حافظ انقلاب
اسلامی باسمنج، اهالی شاهگلی تبریز، پرسنل ژاندارمری مراغه - ساکنان شهرک امامیه
تبریز- پرسنل پلیس راه آهن تبریز پاسداران کمیته ۱۲ ماشین سازی تبریز- مجاهدین کمیته
انقلاب اسلامی شماره ۱۴ تبریز، کارکنان شرکت کوکاکولا تبریز، اهالی روستای توپ آغاج

هشترود اهلای توابع بخش هریس - اهالی قریه نعمت آباد - اهالی بخش ترکمانچای - کارکنان بیمارستان ۲۹ بهمن تبریز - سازمان مجاهدین رضائی هاشاخه تبریز - اهالی قریه علمدار علیا - کمیته انقلاب اسلامی و اهالی روستای کردکندی - مجاهدین و پاسداران روستای خواجه، کارگران کارخانه سیمان صوفیان - کارمندان مخابرات کلیبر - کمیته شماره ۴ تبریز، مجاهدین انقلاب اسلامی شهربانی تبریز، سازمان آموزش چریکهای اسلامی تبریز، پیمانکاران و کارگران راه و ساختمان - اهالی روستای کرکچ - عشایر ایل قره خانلو - اهالی قریه سفیده خوان - اهالی قریه الانق تابع تبریز - اهالی قریه طرزم محال ارسباران، اهالی قریه های زرنخ، اسنجان، علی بیگ کندی، اسکندر، گله بان مرنده، گامش آغل و قریه دیده بان مرنده، اهالی قریه های آقمان از توابع اسکو، ده هزار نفر از کامیونداران آذربایجان شرقی، اهالی قریه دیزج لیلی خانی، پلیس هواپیمائی کشوری فرودگاه تبریز، اهالی محله های صائب و قطران و ابوریحان، اهالی روستای سهلان، سازمان رفاه نابینایان آذربایجان شرقی (مرکز تبریز)، اهالی محال دیزمار از اهر ارسباران، مجاهدین کمیته ۱۰ خطیب، اهالی، اهالی قریه سرند و حومه، اهالی و کشاورزان شندآباد، کشاورزان و روحانیون ده سادات حومه بستان آباد، اهالی قریه اوایلق و بخش زرقان، اهالی خیابان مجاهدین، اهالی محله امیرخیز تبریز، اهالی بنیس شبستر، حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان شعبه خوی، حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان شعبه قریه گل آباد از توابع صوفیان، حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان شعبه ارومیه، عده ای از اهالی ارومیه، هواداران جبهه ملی ارومیه، گروهی از روحانیون متعهد ارومیه، اهالی محله مارالان تبریز، سازمان امداد حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران، حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران شعبه حسن آباد ارسباران، اهالی روستای قزلجه، حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان شعبه اسکو، کارکنان و رانندگان و کمک رانندگان ترمینال تبریز و اعضای شرکت تعاونی اتوبوسداران تبریز، فرهنگیان و کارکنان آموزش و پرورش نقده، اصناف، گاراژداران، کارمندان و کارگران دروازه تهران، کانون رفاهی و عمرانی و فرهنگی جوانان بستان آباد، فارغ التحصیلان دانشکده فنی دانشگاه تبریز، کارگران و کارکنان امانی شهرداری، کامیونداران و اهالی قریه پیام، کارگران آجرسازی اطلس - کارکنان و کارگران و مهندسين کارخانه فلور، کارخانه صنعتی و مهندسی علیزاده و هاشمی، کارخانه ایران پرس، اتحادیه کامیونداران کمپرسی تبریز.

اهالی قریه باشکند- اهالی قریه‌های میان‌دوآب - روستاهای بخش هشترود- اهالی روستای اویلیق از توابع اهر- اهالی قریه یوزبند- اهالی کوی قم‌تپه و شربت‌زاده و انبار سردار کوی مجاهدین تبریز- اهالی قریه گونجیک - اهالی قریه چوان - اهالی خیابان فردوسی و چهارراه تربیت تبریز- صنف شیشه و آئینه‌فروشان تبریز، اهالی طایفه قره‌باغلو- اهالی روستای مرزی سیه‌رود- اهالی قریه رواسان - اهالی قریه تیکان و بچه‌آباد و علی‌آباد- پیر سلطان و دزچی از حومه تیکمه‌داش- عشایر دشت مغان و ارسباران و ارشق و اجارود- حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان شعبه سردرود- صنف نانوایان سردرود- کارکنان تصادفات آب تبریز- کارکنان کیمیای تبریز- قالی‌بافان سردرود- اهالی تازه‌کند و دغدغان و گرگج و قشلان قلعه ویکان کهریز و شوردرق حوزه صوفیان و اهالی سعیدآباد و ارووق و مؤسسه دینی مهدیه شهرستان خوی و کارکنان سازمان آب و برق آذربایجان.

در تلگرافی به آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری:

کامیونداران خواستار اصلاح قانون اساسی شدند. آنها تهدید کرده‌اند در صورت عدم اجرای خواسته‌هایشان بارگیری نخواهند کرد بیش از دو هزار نفر از کامیونداران آذربایجان شرقی با فرستادن تلگرافی به آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری خواستار اصلاح قانون اساسی و محاکمه مهاجمان به منزل‌ایشان شدند و تهدید کردند که در صورت عدم اجرای خواسته‌های آنان از بارگیری خودداری خواهند کرد. متن تلگراف به این شرح است:

از تبریز به قم - پیشگاه مبارک زعیم عالیقدر حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج سیدکاظم شریعتمداری، محترماً بیش از دو هزار نفر کامیونداران آذربایجان شرقی که در مراحل نهضت اسلامی از پیشگامان انقلاب بوده و هستیم مصراً خواستار اصلاح قانون اساسی و محاکمه مزدوران مهاجم به منزل مقدس معظم‌له بوده و تا پای جان از خواست خود دفاع کرده و در صورت عدم اجرای خواسته‌های برحقمان از بارگیری خودداری خواهیم کرد.

اتحادیه صنف کامیونداران تبریز و حومه
کامیونداران آذربایجان شرقی